

این نوشتار در چهار قسمت در تحت عنوان " رویداد های سندیکایی جهان و افغانستان " به نشر میرسد

نوشته احمدضیا صدیقی سپهر

مروری به گذشته و نگاهی به حال و آینده اتحادیه های صنفی کارگران و کارکنان افغانستان

پیش نویس فشرده:

یک،

با فهم این، که ایجاد، تحکیم و قانونمندی اتحادیه های صنفی کارگران و سایر مُزدگیران یکی از با اهمیت ترین مسأله برای تقویه و تسریع روندِ پاگیری جنبش دموکراتیک و آزادیخواه کشور به شمار میرود و این نهاد بنابر ماهیت سرشتی اش، یگانه سازمان توده ییست، که میتواند کارگران و مُزدگیران را با همه اختلافهایی که از نظر قومی، سمتی، زبانی، مذهبی، جنسی و عقیده تی دارند، باهم متحد کند.

و با فهم این، که اتحادیه های صنفی به اثر سلسلهء مبارزهء پیگیر، قانونی، رسمی و مسالمت آمیز خویش بدون کاربُرد خشونت، نی تنها قادر به دفاع و حمایت از حقوق مُزدگیران، افزایش دستمزدها، تعمیم سیستمهای عادلانهء مترقی مزد و به دست آوردن مزدهای متناسب با تورم، تأمین حق مساوی کار، بهشدِ شرایط کار، کاهش فقر و بیکاری و در نهایت بهشد و ارتقای سطح زنده گی اجتماعی- اقتصادی کارگران و مُزدگیران میگردد، بل که میتوانند نقش با اهمیت و اساسی را در ایجادِ زمینه های تحول سیاسی- اقتصادی و تغییر نظام سیاسی حاکم به سود زحمتکشان و آزادی و رهایی انسان مظلوم از انواع مظالم موجود اجتماعی ایفا نماید.

با استنباط از تحولات اخیر در کشورهای عربی (تونس، مصر، یمن، اردن، بحرین، لیبیا و...) و خیزشهای مردمی علیه نظامهای استبدادی و توتالیتر و مداخلهء سیاستهای اقتصادی نیولیبرالیزم، در کشورهای پیرامونی و با اعتقاد به این که رهایی کارگران و مزدگیران از چنبرهء فقر، بیکاری، ناتوانی، بیعدالتی، ستم و استثمار در دست خود آنان و آن هم از طریق بسیج و

تشکل آگاهانه‌شان در سازمانهای اتحادیه‌یی، مسلکی و رشته‌یی ممکن میگردد و با مشاهده این، که در شرایط کنونی که کارگران و کارمندان کشور هنوز سازمانهای اتحادیه‌یی مستقل، متشکل، مؤثر و سراسری را که بتوانند در وضعیت جاری کشور حضور فعال داشته باشند و مطالبات اساسی آن‌ها را بیان نموده، از منافع آن‌ها دفاع و در را احقاق حقوق عادلانه‌شان پیگیرانه مبارزه نماید و حرکت‌های خود انگیخته‌شان را که در روند عینی مبارزه روز مره به وجود می‌آید، سوق و سو بدهد و اتحاد و وحدت آن‌ها را با نیروهای ترقیخواه و تحول طلب به هدف ایجاد تحولات و تغییرها به سود زحمتکشان تأمین نماید، در اختیار ندارند.

ایجاد سازمانهای اجتماعی، انجمنها، نهادهای حرفه‌یی و فرهنگی مستقل به ویژه اتحادیه‌های صنفی، مسلکی و رشته‌یی کارگران، کارمندان، معلمان، استادان، کارکنان مؤسسه‌های صحتی، علوم و فرهنگ و خدمات عامه، پیشه‌وران، سازمانهای زنان و جوانان، انجمنهای حقوقدانان، هنرمندان، نویسندگان، پژوهشگران و سایر نهادهای متعلق به زحمتکشان که بخش اساسی جامعه مدنی را احتوا مینمایند و هم‌چنین تقویه، تحکیم و حمایت سازمانهای اجتماعی و انجمنهای حرفه‌یی که تاکنون ایجاد گردیده است، ولی بنابر تسلط حاکمیت‌های غیر دموکراتیک و خودکامه، پیچیده‌گی وضع سیاسی- اجتماعی و پراکنده‌گی نیروهای متعلق به دنیای کار و زحمت از مؤثریت لازم برخوردار نیستند، در سرخط وظایف کلیه نیروهای عدالتخواه و طرفدار دموکراسی و آزادی قرار دارد.

دو دیگر،

بدون آن که ادعا نمایم که در این نوشته مختصر، تمام حقایق و رویدادهای مربوط به نهضت جوان اتحادیه‌یی (سندیکایی) کشور طی سالهای اخیر بازتاب یافته است، یادآور میشوم، که در این نوشتار صرفاً به گوشه‌هایی از این جنبش درنگی مؤجز صورت گرفته، که خالی از کمبودها و اشتباهها نیست. قبلاً بابت آن پوزش میطلبم.

منظور این است، که برای فعالان جنبش اتحادیه‌یی کشور و هم برای کسانی که میخواهند در آینده درباره‌ فعالیت‌های اتحادیه‌های صنفی کشور و نقش آن در تحولات اقتصادی- اجتماعی و سیاسی جامعه افغانی تحقیق نمایند، این باب را مفتوح سازم.

قسمت اول

مدخل:

از آن جا که بدون ریشه یابی، مطالعه و بررسی چگونه گی ظهور کارگران، به ویژه کارگران صنعتی در کشور، فهم درست نهضت ها، حرکتها و جنبشهای کارگری درون جامعه افغانی مقدور نیست، مفید پنداشتم تا نخست در رابطه به پیدایش جوانه های بورژوازی و مرتبط به آن پیدایش کارگر و به تبع آن حرکتهای کارگری به صورت مؤجز درنگ نمایم. تا در روشنی آن بتوانیم به چگونه گی ظهور نخستین هسته ها و نهادهای کارگری و گسترش و توسعه آن ها بپردازیم.

از نگاشته های مؤرخان و ارزیابیهای پژوهشگران استنباط میگردد، که افکار بورژوازی در سالهای ۱۹۸۳ - ۱۸۷۸ در زمان امیر شیرعلی خان در جامعه افغانی به جوانه زدن آغاز نمود و در بر نامه اصلاحاتی آن زمان در چوکات یک سلسله نو آوریهای تجددگرایانه از جمله: ایجاد جریده شمس النهار که در ۱۶ صفحه به نشر میرسید، چاپ تکت پستی، تأسیس اداره پست و مخابرات، ایجاد مطبعه لیتوگرافی، ایجاد دستگاه مونوفکتور تولید وسایل حربی (کارخانه های توپ ریزی، کارخانه تفنگ و باروت سازی)، انکشاف امور اقتصادی - فرهنگی، پیشه وری، امور ساختمانی و راه سازی، به وجود آوردن تسهیلات تجارتي، ریفورم مالیاتی و غیره متبارز گردید.

در سالهای ۱۸۸۰ - ۱۹۰۱، در دوران حاکمیت امیر عبدالرحمن خان در بخش تولیدات وسایل حربی توجه بیشتر صورت گرفت، دستگاههای اسلحه سازی، تولید بوت عسکری و ضرب سکه بناگذاری شد.

میرغلام محمد غبار، مؤرخ نامدار کشور در این رابطه در صفحه ۶۴۶ کتاب افغانستان در مسیر تاریخ نگاشته است:

"امیرعبدالرحمن خان سعی بسیار میکرد، که ذخیره مهمات جنگی دولت را برای یک میلیون عسکر در بخش سکتور دولتی و تحت نظارت مستقیم دولت آماده نماید. لهذا از تمام معاش خوران دولت یک ماه معاش در سالی برای خریداری اسلحه گرفته میشد.

در سال ۱۸۸۶ دولت توسط یک مستخدم فرانسه یی به نام شورم کریتسگر، از اروپا نخستین فابریکه حربی افغانستان را که با قوه بخار به کار می افتاد خریداری نمود و دستگاهی به نام ماشینخانه را در کابل تأسیس نمود. در این فابریکه ۴۰۰۰ کارگر دایمی مصروف گردیده بودند. تولید سالانه آن ۱۰۴ توپ، ۵۲۰۰ تفنگ و غیره لوازم نظامی بود.

فابریکه دارای شعب صنعتی ذیل بود:

آهنگری، نجاری، سراجی، حلبی سازی، فلزکاری، زرگری، مسگری، گداز، مسکوک سازی، گلپت کاری، سیم دوزی، صندوق سازی، گل سازی، حکاکی، ارابه سازی، چاپخانه لیتوگرافی، جراب بافی، دندان سازی، سترنجی بافی، قالین بافی، کاشی سازی، حجاری، نقشه کشی، چودن ریزی، شیشه سازی، چرمگری، اسپریت کشی، سوهان سازی و غیره" {ص ۶۴۶ کتاب افغانستان در مسیر تاریخ میرغلام محمد غبار}.

ولی، بنابر اختناق و مطلق العنانی عبدالرحمن خان، نظریات تجدیدطلبانه و پیشرونده - در هسته - خفه ساخته شد و جلو رشد بورژوازی ملی هم از نظر ذهنی و هم از نظر عینی گرفته شد. گرچه اغلب کارگران مؤسسه ها و دستگاههای صنعتی تولیدی و پیشه وری در چوکات نظام عسکری به کار گماشته شده بودند، ولی با آن هم میتوان از ظهور اولین هسته های کارگران صنعتی صحبت نمود.

طی سالهای ۱۹۰۱ - ۱۹۱۹ که شامل دوره سلطنت امیر حیب اله خان است، در توسعه و گسترش تولیدات صنعتی و رشد صنایع توجه خاصی مبذول نگردید، در این دوران به رغم آن که شرایط برای تقویه بورژوازی ملی مساعد بود و امکانهای لازم را برای رشد و انکشاف صنعت و تجارت، دولت در اختیار داشت، ولی در این دوران فقط یک دستگاه تولید برق در جبل السراج در ۸۰ کیلومتری شهر کابل به ظرفیت ۱۵۰۰ کیلووات احداث گردید.

"در سال ۱۹۱۹ برای بار اول چند عراده موتور از کمپنی دملر بمبئی خریداری و در کابل به کار انداخته شد. هم چنین ۵۷ نفر کارگر از کابل به بمبئی اعزام گردید که کارهای تخنیکی موتور، ساختن بادی، سیت، رنگ مالی، آهنگری و دریوری را فراگرفتند و دوباره برگشتند و شاگرد تربیه نمودند." {ص ۷۰۴ افغانستان در مسیر تاریخ}.

مقارن جنبش آزادی بخش و استقلال طلبانه ۱۹۱۹، تعداد کارگران عرصه صنعت به تناسب نیروی مساعد به کار یعنی نفوس فعال اقتصادی کشور خیلی اندک بود، در حدود چند هزار نفر تخمین میگردید. کارگران بنابر نازل بودن سطح آگاهی و نبود تشکیلات کارگری، نتوانستند نقش مشخص و مستقلى را در نبرد آزادیبخش و استقلال طلبانه کشور ایفا بدارند.

اطلاعات دقیق در مورد تشکیلات سیاسی معتقد به اندیشه های کارگری و هم چنان این که چه تعدادی از روشنفکران آگاه در جنبش آن روزگار به خاطر بسیج و سوق و سو دادن زحمتکشان علیه استعمار و امپریالیزم سهم داشته اند، در دست نیست، اما شواهدی موجود است که عناصر معتقد به اندیشه های کارگری به نحوی از انحاء، در جنبش آزادیبخش و استقلال خواهانه ملی افغانستان سهیم بودند.

در سال ۱۹۳۲ بانک ملی تأسیس گردید، این بانک که در بخش سکتور خصوصی فعالیت مینمود، برخی عرصه های صنعت را در انحصار خود قرار داد، اولین دستاورد آن تأسیس شرکت نساجی افغان بود.

در سال ۱۹۳۶ اولین فابریکه بزرگ نساجی در جبل السراج از طرف دولت ساخته شد، که ظرفیت تولیدی ۰/۵ میلیون متر تکه را در سال داشت و در مجموع ۱۵ درصد تقاضای داخلی را کفایت مینمود.

در سال ۱۹۴۱ فابریکه نساجی پلخمری با ظرفیت ۱۰ میلیون متر تکه در سال - تأسیس و به فعالیت آغاز نمود. با به میان آمدن فابریکه های نساجی زمینه های عینی برای رشد کمی و کیفی کارگران صنعتی افغانستان به میان آمد.

دوران سلطنت محمدظاهرشاه دوران گسترش صنعت و همپای آن رشد کارگران صنعتی در افغانستان است. این دوران را میتوان در مجموع به دو قسمت تقسیم کرد:

دوران قبل از جنگ جهانی دوم؛

دوران بعد از جنگ جهانی دوم.

در زمان قبل از جنگ جهانی دوم فابریکه های زیر در بخش صنعت بنیانگذاری شد:

فابریکه قند بغلان؛ فابریکه روغن نباتی و صابون سازی قندوز؛ شرکت پشمینه بافی قندهار؛ فابریکه برق پلخمری، برق حرارتی بغلان، فابریکه برق آبی چک وردک.

در آن زمان، اکثر دستگاهها و فابریکه ها به مساعدت و همکاری کشورهای پیشرفته سرمایه داری ایجاد و فعالیت مینمودند، ولی با درگیری جنگ جهانی دوم پروسه گسترش صنعت در کشور دچار وقفه گردید.

بعد از جنگ جهانی دوم، دهها فابریکه و دستگاههای تولیدی در عرصه صنعت و سایر عرصه ها تأسیس شد، که به صورت نمونه میتوان از فابریکه های زیر نام برد:

فابریکه سمنت جبل السراج؛ فابریکه برق سروبی؛ فابریکه نساجی گلپهار؛ فابریکه سمنت دهنه غوری؛ فابریکه پشمینه بافی کابل؛ شرکت میوه قندهار؛ فابریکه برق نغلو؛ فابریکه های کود و برق مزار و . . .

بعد از نیمه نخست سده بیستم، تغییرهای معین در ساختار اجتماعی - اقتصادی کشور پدید گردید. با طرح و تطبیق پلانهای پنج ساله انکشاف اقتصادی - اجتماعی، مناسبات تولیدی دچار تغییرهای نسبی شد، گرچه تدابیر اتخاذ شده از جانب حکومتهای وقت تا حدودی در سمت رشد مناسبات بورژوایی سیر میکرد، ولی محدودیت آن در چوکات اقتصاد مختلط رهبری شده، بیشتر باعث تقویه سکتور دولتی و سرمایه گذاری دولتی گردید.

احداث پروژه های ساختمانی و سرمایه گذاری دولتی با استفاده از منابع داخلی و خارجی در بخشهای صنعتی، ساختمانی و زراعتی بستر اجتماعی- اقتصادی را برای ظهور کارگران مهیا نمود و موجب رشد کمی آن ها گردید.

احداث پروژه آبپاری وادی ننگرهار، پروژه آبپاری بند سرده غزنی، ساختمان دستگاه تولید برق نغلو، سربند و کارخانه تولید برق ننگرهار، ساختمان دستگاه تولید برق خان آباد از گامهای سازنده یی بود که در راه ریفورم زراعتی و تولید انرژی برق در این مرحله برداشته شد. احداث دستگاههای تولید برق و انرژی زمینه های رشد صنایع ماشینی را مساعد ساخت و پیوست به آن ساختمان سیلوی مرکز (کابل) و پلخمری با مساعدت حکومت شوروی تکمیل، فعال و مورد بهره برداری قرار گرفت.

احداث فابریکه های نساجی پلخمری، نساجی گلپهار، تأسیسات شرکت سپین زر کندز، فابریکه های سمنت غوری و جبل السراج، فابریکه افزار سازی جنگلک، فابریکه میوه قندهار، ورکشاپهای بزرگ ترمیم موتر در هرات، مزار، کابل، قندهار، فابریکه خانه سازی و فابریکه برکت سازی بیانگر رشد نسبی صنایع ماشینی در این مرحله بود.

در سال ۱۹۶۳ در پروژه های عمده ساختمانی ۵۰۰۰۰ تن از کارگران دارای تخصص، مشمول کار تولیدی بودند، در همین سال کارگران صنعتی، ساختمانی و ترانسپورتی به رقم ۱۸۰ هزار نفر رسیده بود. گرچه رقم فوق در ترکیب طبقاتی کشور به تناسب سایر طبقات و اقشار اجتماعی اندک بوده، ولی بنابر تأثیر و نقشی که در تحولات عمومی کشور داشت، از اهمیت ویژه یی برخوردار بود.

سهمگیری و حضور فعال کارگران در اقتصاد ملی و پروسه تحولات اجتماعی- اقتصادی کشور و ظهور مراکز کارگری مسایل جدید اجتماعی را در مناسبات تولیدی بین کارگران و کار فرمایان در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و حقوقی به میان آورد.

تأثیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بر نهضت کارگری کشور:

پس از ترور محمد نادرشاه، در خزان ۱۳۱۲، محمد ظاهر به پادشاهی رسید، با آن که محمدظاهر رسماً پادشاه بود، ولی، در حقیقت خانواده یحیی خان به طور دسته جمعی حکومت می کردند. با استعفای محمد داود از مقام صدارت در ۱۱ حوت ۱۳۴۱ مطابق سوم مارچ ۱۹۶۲ محمد ظاهر شاه، داکتر یوسف را به حیث صدراعظم تعیین نمود و با این اقدام، خود را از حصار خانواده ظاهراً بیرون ساخت.

مهمترین اقدام تاریخی - سیاسی این دوره تصویب قانون اساسی جدید بود، که به تاریخ ۹ میزان ۱۳۴۳ برابر با اول اکتوبر ۱۹۶۴ رسماً به مرحله اجرا گذاشته شد. با آن که این قانون ضعیف، نواقص و کمبودهای زیادی را در خود جا داده بود که عمدتاً ناشی از سرشت دولت وقت بوده اما باید اذعان کرد که این دوره یکی از مهمترین دوره برای تدوین یک قانون اساسی نسبتاً خوب، برای افغانستان بود.

در این قانون، برای نخستین بار برخی از آزادیهای دموکراتیک منجمله آزادی تأسیس احزاب سیاسی، سازمانهای اجتماعی و اتحادیه های مسلکی تسجیل یافت، با استفاده از مفاد و ارزشهای این قانون، "جریان دموکراتیک خلق افغانستان" به منزلت نماینده بخشی از جنبش چپ دموکراتیک و مترقی جامعه افغانی با ادعای پیشگام بودن «طبقه کارگر» و سایر اقشار و طبقات زحمتکش کشور، در وجود کنگره مؤسس آن درجنوری سال ۱۹۶۴ در شهر کابل این گهواره نهضت‌های آزادیخواهانه و بستر جنبشهای انقلابی پیشرونده کشور تأسیس گردید.

در آستانه تأسیس "جریان دموکراتیک خلق افغانستان"، در جامعه افغانی شیوه تولید فیودالی، نیمه فیودالی و قبیله‌یی حاکم بود، میزان رشد صنایع (دولتی و خصوصی) تا آن حد نرسیده بود که زمینه تشکیل طبقه کارگر را فراهم سازد، کارگران، کارمندان و سایر زحمتکشان در چوکات مناسبات حاکم فیودالی - قبیله‌یی محصور بودند، نبود تشکیلات منظم کارگری و سهم ضعیف بورژوازی ملی به ویژه بورژوازی صنعتی در شیوه مسلط تولیدی کشور به ادعای جریان دموکراتیک خلق افغانستان مبنی بر «پیشاهنگ طبقه کارگر!» نمیتوانست سرشت ارگانیک طبقاتی بدهد. به سخن دیگر زمینه های عینی برای کسب خصلت کارگری در بستر شیوه تولید فیودالی - قبیله‌یی برای ح. د. خ. ا. در مرحله تکوین آن وجود نداشت، این جریان نمیتوانست تنها در چوکات روابط بین المللی و جهانی از خصلت کارگری برخوردار شود.

با در نظر داشت این که حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حیث یک ارگانیزم زنده در گرمترین و بغرنج ترین مرحله تاریخ کشورما زیسته و از ظهور تا فروپاشی خود راه پُر خم و پیچی را پیموده و در طول زنده گی خویش در وضعیت سیاسی کشور گاه بالقوه و زمانی بالفعل حضور داشته و در محراق رویدادها و حوادث جامعه افغانی قرار گرفته، ضرور است تا چتر اندیشه‌یی، روشها، سیاستها و عملکردهای آن در مراحل مختلفی از فعالیت‌هایش مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد، ولی هدف در این نبشته بررسی مسایل مربوط به زنده گی و فروپاشی حزب دموکراتیک خلق افغانستان نبوده، منظور گذر مختصریست در مورد تأثیر حزب دموکراتیک خلق افغانستان بر نهضت جوان کارگری کشور به ویژه در مرحله زنده گی اپوزیسیونی آن.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی مدت ۲۰ سال زنده گی و فعالیت اپوزیسیونی خود، تأثیر عمیق دگرگون کننده بر جامعه افغانی به جا گذاشت که نتایج و تأثیر مثبت و منفی آن هنوز نیز برجاست.

آن حزب کار عمیق روشنگرانه را در جامعه افغانی انجام داد و در ارتقای سطح آگاهی اجتماعی کارگران و سایر زحمتکشان، آگاه سازی، تجهیز مبارزان پیشرو با جامعه شناسی علمی و تقویت عنصر معنویت انقلابی در آن ها نقش مؤثر را ایفا نمود و ریزرفهای قابل حساب را جهت دگرگون ساختن جامعه به سود انسان زحمتکش به میان آورد، که آرمانهای آغازین آن میتواند سنگ بنایی باشد، برای از سرگیری مبارزه دادخواهانه، اشاعه تفکر نقاد پیشرو عصر ما در وجود جامعه شناسی علمی و پویایی و نوسازی جنبش دموکراتیک افغانی. و احیای نهضت کارگری و جنبش اتحادیه یی در شرایط نوین اقتصادی- اجتماعی کشور و جهان.

مرامنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حیث اساسی ترین سند سیاسی و فکری آن، در شماره های ۱ و ۲ جریده خلق در اپریل سال ۱۹۶۶ نشر و بعداً در ۶ شماره جریده خلق و ۹۶ شماره جریده پرچم وسیعاً انعکاس یافته بود، آن حزب، بر مبنای این سند در بیان ریشه های اصلی فقر و سیاه روزی، بیعدالتی و عقبمانی شدید جامعه افغانی و افشای مناسبات ظالمانه و استبدادی نظام فیودالی، نیمه فیودالی و قبیله یی و بهره کشی بیرحمانه از کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان کار تاریخی را انجام داد.

آن حزب، در مرحله آغازین زنده گی اپوزیسیونی اش، با توسل به خشونت و اقدامهای ماجراجویانه نا به هنگام، اغواگرانه انقلابی نما، اقدامهای قهرآمیز و غیرقانونی از جمله کودتا ناسازگار بود و اعتقاد بر آن داشت تا اهداف مرامی خود را که به خاطر دفاع از آزادی، دموکراسی، استقلال، رشد و ترقی جامعه، کاهش درجه استثمار، تأمین عدالت اجتماعی و رفع فقر و سیاه روزی زحمتکشان برای مرحله معینی از تکامل تاریخی جامعه افغانی تدوین گردیده بود، با استفاده از امکانات قانونی، مسالمت آمیز و دموکراتیک، بدون خشونت تحقق بخشد. در این راستا مطابق به شرایط عینی و ذهنی جامعه افغانی و مقتضیات زمان در تمام عرصه های زنده گی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور به کار یینادی پرداخت (شرح مفصل آن ایجاب نبشته جداگانه را مینماید).

ح. د. خ. ا. طی سالهای فعالیت اپوزیسیونی خویش بیش از ۲۰۰۰ تظاهرات، اعتصابها و میتینگها را سازماندهی نمود، و از مطالبات برحق کارگران نی تنها پشتیبانی نمود بل که در تفکیک، تنظیم و بالا کشیدن این مطالبات سهمیم بوده و حمایت از مطالبات و تقاضاهای عادلانه کارگران جز از وظایف روزانه آن محسوب میگردد.

با سازمان دادن میتنگها، مظاهره ها و مارشهای کارگری نی تنها خواسته های معین صنفی و مسلکی کارگران را بازتاب میداد بل که در تشکل کارگران به خاطر تحقق مطالبات صنفی، رشته یی و مسلکی آن ها سهم مؤثر داشت.

مطالبات کارگران در آن زمان عبارت بودند از:

افزایش عادلانه دستمزدها، بهشد شرایط ایمنی کار، مُرخصیهای سالانه، کاهش وقت کار، انتقال رایگان تا محل کار، جلوگیری از اخراجهای غیرقانونی، ایجاد بیمه های اجتماعی و صحتی، دریافت مواد ضرورت اولیه از طریق کوپون، ایجاد و به رسمیت شناختن اتحادیه های کارگری، صندوقهای تعاونی و به رسمیت شناختن اول ماه می روز همبسته گی جهانی طبقه کارگر. بدون تردید باید اذعان نمود که، تأسیس و ظهور نهادها، تشکیلات و حلقه های چپ و مدافع حقوق کارگران از جمله حزب دموکراتیک خلق افغانستان، تکانه سترگی را بر نهضت جوان کارگری کشور وارد نمود و نقش مثبت و با اهمیتی را در آگاهسازی کارگران و مُزدگیران از منافع اساسی و حقوق صنفی آن ها ایفا نمود.

اوجگیری اعتصابات کارگری:

سالهای ۱۹۶۸-۱۹۶۹ سالهای اوج جنبش اعتصابی در کشور به شمار میرود، کارگران در مؤسسه های بزرگ صنعتی، ساختمانی، ترانسپورتی، معدنی و تفحصاتی به گونه آگاهانه به جنبش اعتصابی میپیوستند، از جمله کارگران کارخانه جنگلک، نساجی گلبهار، مجتمع کانال ننگرهار، فابریکه سپین زر قندوز، فابریکه میوه قندهار، فابریکه سمنت غوری، تأسیسات سرکسازی و ترانسپورتی پلخمری، دستگاهها و تأسیسات نفت و گاز شمال (مزارشریف و شبرغان) در این جنبش اعتصابی سهم فعال داشتند و در راه به دست آوردن حقوق صنفی و رشته یی خویش به پیروزیهایی نایل گردیدند.

مارش بیش از ۳۵۰ تن از کارگران و کارمندان آگاه تأسیسات نفت و گاز شمال که به «مارش ظفر آفرین کارگران» معروف گردید رویداد نادری است در نهضت کارگری کشور، کارگران مارش کننده از شهر شبرغان ولایت جوزجان تا شهر مزار ولایت بلخ و سپس تا شهر پلخمری ولایت بغلان به فاصله بیش از ۳۰۰ کیلومتر را پیاده پیمودند خواستههای عمده کارگران را افزایش دستمزد، تهیه محل مناسب برای رهایش، تدوین و تطبیق لایحه ترفیع و تقاعد و تأسیس اتحادیه کارگری احتوا مینمود. این مارش که مورد پشتیبانی و حمایت تمام مراکز کارگری و نیروهای دموکراتیک و پیشرو کشور قرار گرفت در نهضت جوان کارگری کشور به

خاطر نقش آن در بیداری کارگران و کارمندان و تشکل بعدی آن ها از اهمیتی ویژه یی برخوردار بود.

در همین سالها جریان چپ مائویستی که موازی با اندیشه ها و اهداف نهایی استراتژیک حزب دموکراتیک خلق افغانستان شکل گرفته بود، تأثیر معین را بر نهضت کارگری کشور وارد و زمینه های اشتقاق آن نهضت را به میان آورد.

در اول ماه می ۱۹۶۸ مطابق ۱۱ ثور ۱۳۴۷ کارگران کارخانه جنگلک در میتنگی که به خاطر تجلیل از روز اول ماه می - روز همبسته گی جهانی کارگران - برگزار نموده بودند به رسمیت شناختن اتحادیه کارگری و بلند رفتن مزد کارگران را مطرح و جهت تحقق برخی از مطالبات خویش دست به اعتصاب زدند، کارگران فابریکه حجاری و نجاری شهر کابل نیز به این اعتصاب پیوستند. حلقه ها و محافل مائویستی که در وجود سازمان «دموکراتیک نوین» اعلام موجودیت نموده بودند توانستند رهبری این اعتصاب را به دست گیرند و از این اعتصاب در پخش و تبلیغ اندیشه های مائویستی در بین کارگران استفاده نمایند. به روز ۲۴ جوزای سال ۱۳۴۷ پلیس به اعتصاب کننده گان یورش برده و تعدادی از فعالان کارگری و برخی از رهبران سازمان «دموکراتیک نوین» را که ارگان نشراتی آن جریده «شعله جاوید» بود زندانی نمود.

همچنان حرکت های دیگر کارگری در سال ۵۰ در شهر هرات و در سال ۵۱ در شهر جلال آباد (کانال ننگرهار) آغاز گردید.

قسمت دوم

ظهور نخستین هسته های اتحادیه های کارگری افغانستان:

بعد از تصویب و توشیح قانون اساسی جدید افغانستان، در سال ۱۳۴۳ خورشیدی مطابق به ۱۹۶۴ میلادی، وضع جدید سیاسی در کشور به وجود آمد و شرایط نسبی لازم برای تجلی نهادهای سیاسی - اجتماعی فراهم شد. حق ایجاد احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی در ماده ۳۲، قانون اساسی افغانستان برای نخستین بار تسجیل گردید.

با استفاده از این مفاد قانون اساسی، در نخستین سالهای انفاذ قانون اساسی جدید، (۱۳۴۳ - ۱۳۴۴) اولین هسته علنی اتحادیه های کارگری افغانستان، به نام اتحادیه دریوران و کلینران،

به همت تعدادی از دریوران آگاه و حمایت برخی از محافل روشنفکری شهر کابل بنیان گذاشته شد. این اتحادیه به سرعت رشد نمود و فعالیت آن در بین دریوران شهر کابل و ولسوالیهای مربوطه آن گسترش یافت.

شهرت کامل فعالین اتحادیه یی که به ایجاد نخستین هسته های اتحایه های کارگری و پیشه وری همت گماشتند نسبت عدم ثپت شهرت شان در دفاتر اتحایه های کارگری روشن نیست، ولی آنچه به خاطر دارم میتوان از سید قاسم آغا، عظیم شهبال، سیدیسم اله، خواجه محمد نعیم، سید عباس کارگر، خان علی کارگر، عبدلقیوم کارگر، سعدالدین، نبی شوریده، اکرم کارگر، کبیر کارگر، توریالی استال، امین کارگر، صمدزاده، قدوس کارگر، غلام رسول ویدیا، شیراکرم کارگر، کاکا رؤف، ستار کارگر، جبار کارگر، واسع کارگر، نقی کارگر، رحیم کارگر، حمید وهاب که در ایجاد اولین هسته های اتحادیه ها سهم و نقش فعال داشتند نام برد

توریالی استال یکی از پیشکسوتان جنبش اتحادیه یی کشور که یسشتر از چهل سال عمر خویش را صرف کار سندیکایی نمود است، در رابطه به نخستین خیزشهای جنبش اتحادیه یی در کشور و کادرهای بنیادگذار آن اظهار میدارد:

" نخستین خیزش اتحادیه یی در بخش حلبی سازان (فلزکاران) بود و بعد در بخش دریوران و کلینران و تخنیکران و به همین قسم جنبش در فابریکه های کارگری زیر عنوان صندوقهای تعاونی آهسته آهسته شکل گرفت.

اولین رییس های صندوقهای تعاونی (هسته نخست اتحادیه):

در فابریکه جنگلگ امین الله، در فابریکه خانه سازی شکوری، در مطبعه اردو نقی، در مطبعه دولتی رحیم کارگر در فابریکه قیر سید مسکین، در نساحی بگرامی کبیر نیازی، در شرکت سرویس اکرم کارگر، در بخش حلبی سازان ستار کارگر، در بخش بکس سازان حمید کارگر، در بخش دریوران سید قاسم، در بخش رنگمالان کاکارؤف و در بخش تخنیکران صمدزاده بودند که خدمات و کار نامه های شان جاودانه خواهد ماند.

در سال ۱۳۴۸ محترم گل احمد، یکی از شخصیتهای با نفوذ اجتماعی از طرف اتحادیه دریوران افغانستان، برای پارلمان کشور کاندید و انتخاب گردید. این نماینده با حضور در پارلمان در دفاع از منافع صنفی کارگران و دریوران قرار گرفت و با مطرح ساختن مبرمترین مطالبات کارگران از جمله تقلیل ساعتهای کار، اجرای اضافه کاری برای کارگران، پرداخت مزد عادلانه، امتیاز حقوق کار ثقیل، بیمه های اجتماعی و صحی، اجرای حقوق بازنشسته گی و لباس کار، نقش اتحادیه را در روند برقراری مناسبات عادلانه کار با کارفرمایان از یک سو و دولت از سوی دیگر برجسته ساخت.

با گسترش و توسعه فعالیتهای این اتحادیه و آشکار شدن مؤثریت آن در دفاع از حقوق و منافع صنفی و مسلکی دریوران و ظهور ذهنیتهای اتحادیه یی در بین اقشار و گروههای دیگر اجتماعی، در پی پایه گذاری این هسته، کارگران فابریکهء نساجی بگرامی {این فابریکه به همکاری مالی و تخنیکی دولت چین تأسیس گردیده بود}، تشکل صنفی خویش را به نام صندوق تعاونی کارگران نساجی بگرامی ایجاد نمودند.

بعداً کارگران مطبعهء اردو به رغم شرایط اختناق و محیط مقید کار، هستهء سندیکایی خود را زیر نام صندوق تعاونی کارگران مطبعه اردو، به صورت مخفی ایجاد نمودند. این نخستین نهاد کارگری بود که در بخش اردوی شاهی ایجاد شده است.

{در ایجاد این هستهء کارگری، محمد عظیم شهبال، موسی کارگر، نقی کارگر و باشی محمد نعیم نقش برانندهء داشتند. حمایت مخفی محترم دگروال انوری رییس مطبعهء مذکور که شخصی ترقیخواه و عدالت پسند بود در حفظ، تقویه و گسترش این هسته مؤثر بود}.

مطبعهء دولتی افغانستان دومین مطبعه بود که کارگران آن به ابتکار تعدادی از کارگران آگاه و پیشقدم، از جمله غلام علی رهش، محمد شریف رزمان، محمد رحیم کارگر شعبهء صحافی و . . . موفق به ایجاد صندوق تعاونی خویش گردیدند و پیوست به آن کارگران دستگاههای ساختمانی، راه و میدان سازی و فابریکه های نساجی هستهء نهادهای اتحادیه یی را زیر عنوان- صندوقهای تعاونی- پایه گذاری نمودند.

ولایتهای جوزجان، بلخ و کندز در جملهء اولین ولایتها در شمال کشور بودند که سازمانهای اتحادیه های کارگری در آن ها تأسیس شد. در سال ۱۳۴۵ کارگران فابریکهء سپن زر کندز سازمان اتحادیهء صنفی خویش را به شکل نیمه علنی ایجاد و امین کارگر را به حیث رییس آن اتحادیه برگزیدند.

به همکاری و مساعی کارگران و کادرهای اتحایه یی ولایت کندز اتحادیه کارگران ادارهء شیرخان بندر، در سال ۱۳۴۶ خورشیدی تأسیس گردید.

عبدالرحیم کاروال، حسن گل وفا کارگر، عبدالستار، عبدالجبار کارگر، امین کارگر. . . از جملهء فعالان نهضت کارگری آن وقت اند که در ایجاد اولین هسته های تشکیلات کارگری در آن ولایت سهم فعال داشتند.

باید تذکر داد که ایجاد صندوقهای تعاونی در واقع پیش زمینه ی بود برای تشکیل هسته های کارگری در کشور.

صندوقهای تعاونی کارگران و پیشه وران در سالهای ۱۳۴۸ - ۱۳۴۹ از محدوده ی شهر کابل فراه تر رفت و دامنه آن وسیع گردید و از رشد کمی بر خوردار شد. اولین دفتر مرکزی صندوقهای تعاونی در شهر کابل در محله ی چنداول کابل ایجاد شد و بعداً در سال ۱۳۵۱ به میرویس میدان انتقال نمود.

در سالهای بعد از ۱۳۵۱، شوراهای ولایتی صندوقهای تعاونی یکی پی دیگر ایجاد و به فعالیت آغاز نمودند. یادآوری باید نمود که وکلای اصناف و کسبه کاران در تاسیس صندوقهای تعاونی نقش با اهمیتی را ایفا نموده اند. و در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۸ رهبری تمام صندوقهای تعاونی بدست فعالین اتحایه یی افتاد.

پیش از رویداد ۷ ثور ۱۳۵۷، در اغلب مؤسسه های صنعتی، ساختمانی، ترانسپورتی و خدماتی هسته های اتحادیه های کارگری و صندوقهای تعاونی به وجود آمده بود. این نهادها با در نظر داشت شرایط و وضعیت کاری و جو حاکم در محیط کار، به صورت محفی، نیمه مخفی و علنی به فعالیتهای صنفی میپرداختند، اما موفق به ایجاد مرکز واحد رهبری و سازماندهی فعالیتهای مشترک صنفی خویش نگردیده بودند و به صورت جداگانه فعالیت داشتند. نبود مرکز واحد رهبری در اغلب موارد باعث عقب نشینی آن ها در برابر کارفرمایان و عدم تحقق مطالبات قانونی آن ها میگردد.

بعد از رویداد هفت ثور ۱۳۵۷ با تغییر و دگرگون شدن وضعیت سیاسی کشور، در نخستین روزهای برقراری حاکمیت حزب- دولت دموکراتیک افغانستان، کارگران مؤسسه های تولیدی و خدماتی شهر و ولایت کابل به استقبال و پشتیبانی از رویداد ثور ۱۳۵۷ اولین گردهمایی اتحادیه یی خویش را در استادیوم ورزشی شهر کابل دایر نمودند و در فضای آزاد با روحیه عالی همبسته گی کارگری تصمیم خویش را مبنی بر ایجاد مرکز واحد کارگری اعلام نمودند محمد حکیم میخانیک برق را به حیث مسوول اتحادیه مرکزی کارگران افغانستان برگزیدند. در پی این گردهمایی کارگری، دومین گردهمایی وسیع کارگران به اشتراک پیشه وران و اصناف شهر کابل و حومه آن دایر گردید، در این اجتماع ایجاد اولین نهاد تشکیلاتی اتحادیه های صنفی افغانستان به نام ادارهء مرکزی کارگری افغانستان رسماً اعلام شد و مقر آن شهر کابل - کلوب سپورت شاروالی کابل واقع در شهرنو کابل تعیین گردید. از محترم انجینیر محمد عزیز شاروال شهر کابل که در تدویر این گردهمایی و تجهیز دفتر ادارهء مرکزی اتحادیه های کارگری افغانستان همکاری صادقانه نموده اند تا کنون به قدردانی یاد میگردد.

برای پیشبرد امور مربوط به اداره مرکزی اتحادیه های کارگری افغانستان، تعدادی از کارگران پیشگام، محمد عظیم شهبال نوایی، محمد شریف رزمان، غلام علی رهش، محمد حکیم کارگر، حمید وهاب، سید قاسم آغا، نوازعلی سرود، حسن سپاهی، نقی کارگر، خواجه محمد نعیم صدیقی کارگر مطبوعه صکوک، عبدالواسع کارگر، رحیم کارگر، محمود کارگر، سمیع کارگر، شعاع، غنی کارگر و... موظف گردیدند. و اولین رئیس اتحادیه های کارگری افغانستان عظیم شهبال نوایی تعیین گردید. بعداً حسن گل وفا در این سمت گماشته شد.

طی کمتر از ۴ ماه سازمانهای اتحادیه یی در مرکز و ولایتها رسماً ایجاد و هیئت رهبری آن ها از طریق انتخابات آزاد و مستقیم انتخاب و برای تقریباً یک صد و سی هزار کارگر، مأمور دولت، کارمند، مستخدم، پیشه ور و دیگر لایه های اجتماعی کارت عضویت اتحادیه های کارگری طی مراسم ویژه رسمی توزیع گردید.

با تصرف قدرت دولتی به وسیله جناح خلق حزب دموکراتیک خلق افغانستان، در رأس فراکسیون حفیظ الله امین، وضعیت سیاسی- اجتماعی کشور دچار تغییرهای تکانه‌دهنده گردید. در نتیجه رقابتهای قاتلانه بر سر قدرت، اختناق بر کشور بار دیگر سایه افگند و تعدادی قابل ملاحظه از فعالان سیاسی و اتحادیه های کارگری در کنار سایر مردم مظلوم کشور شهید، زندانی و تعدادی هم مجبور به ترک وطن گردیدند.

حفیظ الله امین، برای پیشبرد اهداف سیاسی و تداوم بخشیدن قدرت خودکامه فردی خویش تلاش نمود تا سازمان جدیدالتأسیس اداره مرکزی اتحادیه های کارگری افغانستان را به یک سازمان پلیسی تبدیل نماید و به این هدف اکبر شفق را که سابقه معلمی در ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز داشت و عضو فعال فراکسیون امین بود، در پست ریاست این اداره، تعیین و مقرر نمود و در پی آن افراد متعلق به خود را در رأس اتحادیه های کارگری اغلب ولایتها گماشت.

ولی به رغم تمام فشارها، امین نتوانست از این سازمان به نفع خود استفاده ابزاری نماید. کارگران کشور و سایر اعضای این اتحادیه نشان دادند که همیشه در کنار نیروهایی اند که در مبارزات خود برای پیشرفت و انکشاف اقتصادی و نابودی استثمار فرد از فرد و رفاه و بهروزی انسان زحمتکش رزمیده اند.

اتحادیه های صنفی افغانستان و رویداد هفت ثور ۱۳۵۷:

در آغاز رویداد هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی، تعداد کارگران شامل کار در فابریکه ها، دستگاهها و مؤسسه های تولیدی کشور به ۲۰۰ هزار میرسید. در نتیجه تدابیر و اقدامهای حکومتی وقت،

براساس گزارش مؤرخ (۲ قوس ۱۳۶۴) روزنامه «حقیقت انقلاب ثور» تعداد کارگران شامل کار در مؤسسه های تولیدی (سکتور دولتی و خصوصی) در سال ۱۹۸۰ بیشتر از ۴۲۰ هزار نفر و تعداد زارعان شامل در پروسه تولید زراعتی به ۳/۵ میلیون تن بالغ گردیده بود.

تأسیس اداره مرکزی اتحادیه های کارگری افغانستان و گسترش تشکیلات ارگانیک آن در سراسر کشور، به منزلت مرکز تجمع تمام کارگران، پیشه وران و کارکنان مشمول کار در بخشهای دولتی، خصوصی و موسسات مختلط (دولتی و خصوصی) یک رویداد بسیار بااهمیت در نهضت جوان کارگری افغانستان به شمار میرود.

با آن که قبل از تأسیس اداره مرکزی اتحادیه های کارگری افغانستان، اغلب کارگران، کارمندان و پرسونل خدماتی، فابریکه ها، دستگاهها، مؤسسه ها و اداره های کشور به خاطر دفاع از حقوق صنفی، رشته یی و مسلکی خویش دست به ایجاد اتحادیه های کارگری و مسلکی زده بودند و هم صندوقهای تعاونی را ایجاد نموده بودند، ولی روابط ارگانیک و منظم بین آن ها موجود نبود.

بعد از سقوط حکومت حفیظ الله امین، تغییرهایی در کادر رهبری و ساختار تشکیلاتی سازمان اداره مرکزی اتحادیه های کارگری افغانستان به وجود آمد و این سازمان به نام **اتحادیه های صنفی کارگران افغانستان** مسمی گردید.

در حاشیه این بحث یادآوری مینمایم که، به سلسله اقدامهای حزب - دولت به تاریخ ۲۴ می ۱۹۸۰ نخستین کنگره معلمان دایر و اتحادیه معلمان تأسیس گردید. پیوست به آن اتحادیه کارمندان طبی به تاریخ ۱۶ جون ۱۹۸۰ ایجاد شد. و هم چنان کنگره سرتاسری کوپراتیفهای زراعتی در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۰ دایر گردید.

اتحادیه های صنفی کارگران افغانستان، اولین کنگره خود را در ۷ مارچ ۱۹۸۱، مطابق ۱۷ حوت ۱۳۵۹ خورشیدی در شهر کابل دایر نمود. هدف از تدویر کنگره عمدتاً این بود تا کلیه کارگران، کارمندان و پرسونل خدماتی (مزد گیران) تمام مؤسسه ها و اداره های تولیدی و خدماتی سکتور دولتی و خصوصی، پیشه وران و اصناف به منظور دفاع از حقوق خود و تحقق مطالبات مشترک خویش در یک سازمان اجتماعی صنفی سراسری بزرگ متشکل گردند.

کنگره، بعد از تحلیل و بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور مطابق به اوضاع و احوال جدیدی که در نتیجه رویداد ثور ۱۹۵۷ و به تعقیب آن حضور قطعات نظامی شوروی، به میان آمده بود، به هدف همسویی با حزب - دولت حاکم و به منظور تشریک مساعی و سهمگیری در تحقق برنامه های اقتصادی - اجتماعی دولت، تعدیلهای اساسی را در اساسنامه و ساختار تشکیلاتی

اتحادیه های صنفی کارگران افغانستان به میان آورد. مزید به آن کنگره مطابق به ساختار جدید تشکیلاتی، رییس و هیئت رهبری اتحادیه را انتخاب نمود.

بالاترین ارگان اجرایی این سازمان دارالانشای شورای مرکزی و عالیترین ارگانهای رهبری کننده و تصمیم گیرنده آن بعد از کنگره، شورای مرکزی و هیئت رییس آن بود. به منظور تحقق فیصله های ارگانهای رهبری و پیشبرد امور جاری، در دستگاه شورای مرکزی شعب زیر وجود داشت:

ریاست تشکیلات، ریاست مالی، ریاست اقتصاد و تولید، ریاست حفاظت کار، ریاست تبلیغ و آموزش، ریاست روابط بین المللی، ریاست اداری، ریاست تفتیش مرکزی، ریاست اسناد و ارتباط، ریاست امور ورزشی، کمیسیون امور مربوط به کارگر زنان، مرکز تربیه کادرهای اتحایه یی، مرکز فرهنگی، لابراتوار تحقیقاتی نورمهای حفاظت کار.

در هریک از شعب فوق تا ۱۰ تن کارشناس، به شکل حرفه یی (مربیهای دایمی) و مزید به آن فعالان سندیکایی غیرحرفه یی و تعدادی از کارمندان اداری و تخنیک مصروف کار بودند.

برای اعضای دارالانشای شورای مرکزی امتیازهای مادی معادل معاون وزیر و برای مسؤولان شعب امتیازهای فوق رتبه مطابق به قوانین دولت در نظر گرفته شده بود.

مطابق تصامیم و فیصله های کنگره، شوراهای ولایتی و شهری به مثابه نهادهای اداره کننده و سازماندهنده سازمانهای اتحایه یی، در ۳۲ ولایت کشور و شهر کابل تأسیس گردید و در اغلب کارخانه ها، فابریکه ها، مؤسسه ها و اداره های دولتی و خصوصی، نهادهای اولیه اتحایه های صنفی به میان آمد.

در نحوه فعالیت سازمانهای اتحادیه یی پرنسیپ مرکزیت دموکراتیک رعایت میگردید و شیوه اجرای آن متکی به اصول آتی بود:

- داوطلب بودن عضویت،

- انتخابی بودن کلیه ارگانهای رهبری،

- رهبری جمعی و مسؤولیت فردی،

- اجرای تصامیم مقامهای بالایی توسط ارگانهای پایینی.

گرچه این سازمان اجتماعی ظاهراً در چوکات اساسنامه خویش از استقلال عمل برخوردار بود، ولی از تأثیر ح. د. خ. ا. فارغ نبوده، تا تدویر دومین کنگره خویش در جنب آن حزب فعالیت مینمود.

کنگره دوم امکا:

کنگره دوم اتحادیه های صنفی افغانستان در ربع دوم سال ۱۳۶۹ خورشیدی، در شرایطی دایر گردید، که از یک سو فعالیتهای اتحادیه یی نسبت به هرزمان دیگر بیشتر گسترش یافته بود و اغلب کارکنان رشته ها و مسلکهای مختلف را زیر پوشش خویش قرار داده بود و از سوی دیگر با تعدیلهایی که در قانون اساسی کشور در ۳ جوزای سال ۱۳۶۹، به میان آمد، انحصار قدرت حزب دموکراتیک خلق افغانستان (وطن) رفع شده بود و سیاست جدیدی زیر عنوان مصالحه ملی! از جانب حزب- دولت، افغانستان ارایه و تعقیب میگردد، که به تبع آن زمینه های قانونی و رسمی برای ظهور احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی نسبت به گذشته فراهم گردیده بود.

کنگره، به منظور تأمین استقلالیت سازمان و قانونمندی هویت مستقل آن، تغییرهایی را در اصول تشکیلاتی و اهداف سازمانی اتحادیه های صنفی افغانستان به میان آورد و نام اتحادیه های صنفی افغانستان را به اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان (امکا)، تغییر داد. تزئید واژه ملی در نام سازمان بیشتر یک اقدام تبلیغاتی، آن هم در راستای تحکیم استقلالیت سازمان بود، نی یک اقدام مفهومی.

کنگره، ساختار جدید تشکیلاتی- سازمانی را به تصویب رسانید و بر اساس آن اعضای تمام اتحادیه های صنفی در هفت سازمان سراسری مسلکی ذیل متشکل و تنظیم گردیدند:

اتحادیه های مسلکی کارکنان تجارت و ترانسپورت افغانستان،

اتحادیه های مسلکی کارکنان علوم و فرهنگ افغانستان،

اتحادیه های مسلکی کارکنان امور ساختمانی افغانستان،

اتحادیه های مسلکی کارکنان خدمات عامه افغانستان،

اتحادیه های مسلکی کارکنان بافنده گی و دوزنده گی افغانستان،

اتحادیه های مسلکی کارکنان معادن و صنایع افغانستان،

اتحادیه های مسلکی کارکنان امور صحتی افغانستان.

با ایجاد اتحادیه های مسلکی سراسری (امکا)، از نظر ساختار سازمانی، وظایف، صلاحیتهای و مسؤولیتهای اساسنامه یی خویش بدون آن که نام فدراسیون به آن گذاشته شود، در واقع به حیث فدراسیون اتحادیه های مسلکی افغانستان عرض وجود کرد. هر اتحادیه مسلکی اسناد پایه یی خویش را تدوین و تصویب نمودند و از استقلال عمل برخوردار گردیدند

فعالیت این سازمان سراسری، در اندک زمان گسترش یافت و پایه های اجتماعی آن در بین زحمتکشان به ویژه مزدگیران و اقشار تهیدست آهسته آهسته استحکام مییافت.

فعالیت‌های اتحادیه بی در درازای سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰:

گراف پذیرش به عضویت در این سازمان نشان میدهد، که جدیدترین و متباززترین مرحله رشد، انکشاف و تکامل این سازمان میان سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰ خورشیدی به شمار میرود. در درازای این زمان اتحادیه موفق گردید که بیشتر از ۳۵۰ هزار عضو، از میان کارگران، کارکنان، پیشه وران، معلمان، استادان، دکتوران، پرسونل خدماتی و سایر مزدگیران تهیدست جامعه افغانی را به دور خود متشکل گرداند.

برای این که تصویری نسبتاً روشنی از کار و فعالیت و چگونه گی وضع این سازمان در سالهای فوق ارایه کرده باشم، ضرورتاً هم به دستاوردها و هم به کاستیها و ضعفهای این نهاد در درازای این مدت درنگی مؤجز مینمایم.

در عرصه حقوقی،

حضور فعال کارگران و سایر کارکنان مؤسسه ها و اداره های تولیدی و خدماتی در تحولات اجتماعی - اقتصادی کشور، مسایل، قضایا و مطالبات جدیدی را در مناسبات تولیدی بین کته گوریهای کارگران، کارمندان، پرسونل خدماتی و کارفرمایان در عرصه های اقتصادی، حقوقی و فرهنگی به میان آورد.

اتحادیه های صنفی افغانستان به رغم محدودیتهای که به آن رو به رو بود به منظور تأمین حق مساوی کار، حمایت از حقوق کارگران و سایر کارکنان، تعمیم سیستمهای مترقی مزد و معاش، تأمینات اجتماعی جهت ارتقای سطح زنده گی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کارگران و کارمندان (سکتور دولتی، خصوصی و کوپراتیفی)، تأمین شرایط، حفاظت و تخنیک ایمنی کار، ارتقای متداوم مهارت کارگران و رعایت اسناد تقنینی مربوط به کار، در نخستین روزهای تأسیس خویش، تدوین و تصویب قانون مترقی کار را به حیث مبرمترین وظیفه روز مطرح نمود.

پیش از تصویب و انفاذ قانون جدید کار، اصولنامه کار و کارگران مؤسسات صنعتی ملی، قانون اجیران دولت و قانون مأموران دولت، که ماهیتاً ضد دموکراتیک و کاملاً به نفع کارفرمایان تدوین و نافذ گردیده بود، قابل اجرا و تطبیق بود.

با آن که شوراری وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، پیوسته در برابر این خواست عادلانه و برحق کارگران، کارمندان و پرسونل خدماتی کشور موانع ایجاد مینمود و با به کار گرفتن شیوه

های بیروکراتیک تصویب قانون کار جمهوری افغانستان را به تعویق می انداخت، ولی، در نتیجه مساعی جدی، دلیرانه و مدبرانه شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان و مبارزات متداوم کارگران و سازمانهای مدافع حقوق کار، از جمله سازمان بین المللی کار و فدراسیون جهانی کارگران، قانون کار جمهوری دموکراتیک افغانستان به تاریخ ۲۱ جوزای ۱۳۶۶ خورشیدی تصویب و ذریعه فرمان شماره ۱۰۳ هیأت رییس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان نافذ گردید.

بدون تردید قانون کار جمهوری دموکراتیک افغانستان که به مساعی و همکاری مشترک و مستقیم رهبری و کارشناسان شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان با کمیته دولتی کار و تأمینات اجتماعی و مشوره های سازمان بین المللی کار، با در نظر داشت مطالبات اساسی و قانونی کارگران و سایر کارکنان مؤسسه ها و ادارات کشور از سوی مراجع قانونگذار کشور طرح و تدوین گردیده بود، یکی از دستاوردهای بزرگ نهضت کارگری در دهه هشتاد به شمار میرفت.

با آن که تعدادی از حقوقدانان و اقتصاددانانی عضو اتحادیه در رابطه به طرح و تدوین قانون کار همکاری نمودند، ولی مساعی و تلاشهای پیگیر شعبه های اقتصاد و تولید و حفاظت کار شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان که به صورت اختصاصی در رابطه به این قانون و آماده ساختن مقرر و طرز العمل های منضمه آن تلاش نموده اند، قابل یادآور است.

در قانون کار حق استراحت و رخصتی، حق تأمین شرایط صحتی و مصون کار و تولید، آموزش مجانی حرفه یی، ارتقای مهارت و مدارج کار، حق شمول در اتحادیه های صنفی، اشتراک در امر رهبری اداره و تولید و حق استفاده از تأمینات اجتماعی تسجیل یافت و فعالیت های اتحادیه های صنفی افغانستان برای نخستین بار قانونمند گردید و اتحادیه های صنفی صلاحیت قانونی عقد قراردادهای جمعی را با کارفرمایان به نمایندگی از مجموع کلکتیف مربوطه کسب نمودند. در این رابطه در ماده ۱۴ آن قانون، در فصل دوم، احکام زیر تسجیل یافته بود:

- قرارداد جمعی بعد از تأیید کلکتیف کارکنان بین اداره و شورای نماینده گان به نمایندگی از کلکتیف کارکنان عقد میگردد.

- قرارداد جمعی همه ساله در ماه حوت توسط رییس شورای نماینده گان و نماینده اداره، عقد و از آغاز سال بعدی نافذ میگردد.

- قرارداد جمعی، احکام عمومی را در رابطه به مسایل کار، مزد، وقت کار، وقت استراحت، تشویق مادی و معنوی کارکنان، نورم گذاری و حفاظت کار، شرایط مصون و صحتی کار، بهشد شرایط رهایشی، خدمات صحتی، تأمینات اجتماعی، اتخاذ تدابیر در رابطه به طرح و تطبیق

پلانهای تولیدی، آموزش و ارتقای سطح مهارت کارکنان و سایر مسایل با در نظر داشت اسناد تقنینی مربوطه و هم چنان تعهدهای طرفین را در امر تطبیق مسایل متذکره احتوا مینماید. مزید بر قانون کار، شورای مرکزی و دارالانشای شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان به منظور تحقق همه جانبه و به موقع قانون کار با اتخاذ تدابیر و مساعی جدی، طرح مقررات و لوایح مرتبط به قانون کار را در همکاری مشترک با ارگانهای تقنینی کشور آماده و غرض تصویب به شورای وزیران ارسال نمود، که اغلب این اسناد به تصویب رسید. به گونهء مثال میتوان از مقررات آتی که به تصویب رسیده نام برد:

مقررهء تنظیم وظایف و فعالیتهای شورای هماهنگی حفاظت و بهداشت شرایط کار، تاریخ منظوری، ۱۲-۱۲-۱۳۶۶؛

مقررهء مزد اضافی کارکنانی که در عین اداره با چندین ماشین و یا در چند حرفه کار مینمایند. تاریخ منظوری، ۱۲-۱۲-۱۳۶۶؛

مقررهء نورمهای عمدهء حفاظت کار و تحنیک ایمنی. تاریخ منظوری، ۱۲-۱۲-۱۳۶۶؛
سند تقنینی در مورد تثبیت درجه، حدود شرایط ارتقای درجه، مقامهای منظور کننده قرارداد کار، تبدیلی و تقاعد کارگران، پرسونل خدماتی و کارمندان قراردادی؛
مقرره های تعیین سهمیهء تقاعد، شرایط، اندازه و نحو پرداخت حقوق تقاعد کارکنان؛
مقررهء حل اختلاف ناشی از کار؛

مقررهء طرز تثبیت و ترتیب جبران خسارهء معلولیت یا ضرر صحتی مرتبط به کار؛

مقررهء حل اختلاف ناشی از کار؛

مقررهء مربوط ضمایم معاش منطقه یی؛

مقررهء تفتیش کار؛

مقررهء شرایط کارکنان روز مزد؛

مقررهء کارهای هفتهء نامکمل؛

مقررهء پرداخت مزد شبانه؛

مقررهء نحوهء پرداخت کوپون؛

مقررهء شورای نماینده کان کارکنان؛

مقررهء دفاع خودی؛

مقررهء قراردادهای جمعی؛

لایحه سازماندهی مسابقهء کار.

با وضع و منظوری مقررہ ہا و لوابح فوق تمام کارگران کارمندان و پرسونل خدماتی از اجرا و تطبیق آن مستفید گردیدند.

در عرصہ های تأمین اجتماعی، آموزشی و فرهنگی،

به منظور بہشد زنده گی اقتصادی کارکنان ادارہ ہا و مؤسسہ های، شورای مرکزی اتحادیہ های صنفی افغانستان، پیشنهاد حکومت مبنی بہ ازدیاد مزد و معاش را کہ بدون در نظر داشت ضریب تورم ارایہ نمودہ بود و الزاماً باعث تشدید بیشتر تورم قیم میگردید، رد نمود و بہ عوض پیشنهادی را مبنی بہ توزیع ہفت قلم مواد اساسی اولیہء مورد ضرورت کارکنان کشور بہ صورت رایگان، بہ عوض تزئید معاشہای آن ہا، بہ دولت ارایہ نمود و کار وسیع مبارزاتی را بہ خاطر تحقق آن سازماندہی کرد کہ بہ موفقیت انجامید و کارکنان از آن مستفید گردیدند. در نتیجہء مبارزات پیگیر سازمانہای اتحادیہ یی بیشتر از دہ ہزار کارگر مؤسسہ های بزرگ تولیدی صاحب سرپناہ گردیدند.

بہ اساس پیشنهاد شورای مرکزی اتحادیہ های صنفی افغانستان، بیش از ہفت ہزار نمرہ زمین غرض اعمار سرپناہ برای کارگران و کارمندان مؤسسہ های دولتی از طریق شاروال شہر کابل توزیع گردید. مزید بہ آن ہزارہا ہکتار زمین بہ ہمین منظور در اغلب ولایتہای کشور نیز توزیع شد.

بہ منظور فراہم نمودن زمینہ های استراحت برای کارگران، شورای مرکزی اتحادیہ های صنفی افغانستان با استفادہ از منابع بودجہ یی خود استراحتگاہہای را در باغ شاهی ننگرہار، تخت سفر ہرات و استالف اعمار نمود. در این استراحتگاہہا سالانہ بیش از یک ہزار کارگر بہ مصرف این سازمان بہ استراحتہای تابستانی و زمستانی میپرداختند.

بر اساس پروتوکولہای منعقدہ بین شورای مرکزی اتحادیہ های صنفی افغانستان و سازمانہای اتحادیہ های کارگری اتحاد شوروی، بلغاریا، رومانیہ و ہنگری، سالانہ بیشتر از سہ ہزار کارگر و اطفال آن ہا غرض استراحت بہ این کشورہا اعزام میگردیدند.

از اثر تلاش و مبارزات مشترک سازمانہای اتحادیہ یی و نہادہای سازمان دموکراتیک زنان، در اغلب مؤسسہ های تولیدی و خدماتی، کودکستانہا و شیرخوارگاہہا ایجاد گردید.

جہت ارتقای سطح آگاہی سیاسی و اقتصادی- اجتماعی فعالان اتحادیہ یی کشور، نہاد آموزشی بہ نام مرکز تربیہ یی کادرہای سندیکایی در شہر کابل ایجاد گردید. در این مرکز آموزشی کارگری، طی سالہای ۱۳۶۵-۱۳۷۰ بیشتر از ہزار تن فعالان سندیکایی آموزش دیدند و حدود

۲۰۰ تن از اعضای رهبری اتحادیه های صنفی مؤسسه ها و ادارات شهر و ولایت کابل از کورسهای قصیرالمدت آن مستفید گردیدند.

به منظور انعکاس فعالیتهای اتحادیه یی، بازتاب وسیع مطالبات و خواستههای اساسی کارگران و کارکنان کشور، افشای مواردی در رابطه با نقض قوانین مرتبط به کار و تولید، نقد سیاستهای خلاف منافع مزدگیران و ارایهء پیشنهادهای زحمتکشان به دولت وقت به خاطر بهشد شرایط کار و زنده گی آن ها، شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان با استفاده از قوانین نافذ در کشور جریدهء کار و برنامهء رادیویی کارگر را تأسیس نمود. این ارگانهای نشراتی مرکزی و تبلیغاتی طی حدود ۸ سال فعالیت منظم خویش نقش مثبتی را در بیداری و آگاه سازی کارگران و کارکنان کشور و حل برخی از مشکلاتی آن ها ایفا نمود.

هم چنان جهت پیشبرد فعالیتهای فرهنگی و کلتوری در شهر کابل و ولایتهای بزرگ خانه های فرهنگی ایجاد گردید. این خانه ها به سرعت به مرکز تجمع هنرمندان، شعرا، نویسندگان و . . . تبدیل شد.

در عرصه اقتصاد و تولید،

پس از رویداد ۷ ثور ۱۳۵۷ و انتقال قدرت دولتی به حزب- دولت دموکراتیک افغانستان، نهادهای اتحادیه های کارگری کشور حمایت خود را از رژیم جدید اعلام نمودند. در فضای جدیدی که در نتیجهء استقرار حاکمیت جدید به میان آمده بود، کنگرهء اول اتحادیه های صنفی کارگری افغانستان در مطابقت با شرایط عینی و وضعیت سیاسی کشور تغییرهای بنیادی را در اصول مرامی و تشکیلاتی اتحادیه ها به میان آورد و از موضع اپوزیسیونی با دولت در موضع همکاری با دولت قرار گرفت و مشارکت در امر تحقق پلانهای انکشاف اقتصادی و اجتماعی دولت را در فهرست همکاریهای خود با دولت قرار داد.

شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان با استفاده از تجارب کشورهای سوسیالیستی دولتی، راه اندازی مسابقات کار، میان مؤسسه های بزرگ تولیدی را به مثابهء ابزار مؤثر برای سهمگیری فعال کارگران در امر تطبیق پلانهای تولیدی شان تلقی نمود. پس از گرفتن نظرهای کلکتیفهای کارگری و تفاهم و موافقه با دولت، چنین مسابقه ها را میان مؤسسه های بزرگ صنعتی، ساختمانی و ترانسپورتی کشور، اعتبار از سال ۱۳۶۴ خورشیدی سازماندهی و به راه انداخت.

مسابقات کار همه ساله پیوست با منظوری پلانهای تولیدی مؤسسه ها از جانب کمیته دولتی پلانگذاری افغانستان، به وسیله مصوبه مشترک دارالانشای کمیته مرکزی ح. د. خ. ا.، شورای وزیران جمهوری افغانستان و شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان اعلام میگردد و در این مسابقات شاخصهای زیر در نظر گرفته شده بود:

- فیصدی تطبیق پلان منظور شده؛

- فیصدی صرفه جویی در مصارف تمام شد؛

- ابتکار و نوآوریهای جدید در جریان تولید؛

- رعایت نورمهای حفاظت کار و تخنیک ایمنی کار؛

- چگونه گی تأمین اجتماعی برای کارکنان کلکتیف مربوط.

در شاخصهای فوق منافع کارفرمایان و کارگران به گونه یی باهم تلفیق گردیده بود، که هر دو طرف میتوانند منافع شان را در آن ببینند.

رقابت میان مؤسسه های تولیدی و سهم ساختن کارگران در عواید ناشی از تولید بالاتر از پلانهای منظور شده مؤسسه ها، انگیزه های جدید را در زمینه تسریع روند تولید و رشد نیروهای مولده در کلکتیفهای شامل مسابقه به میان آورد.

در نتیجه راه اندازی مسابقه های کار و عرقریزی کارگران اغلب مؤسسه ها، موفق به تطبیق پلانهای تولیدی خود گردیدند و عواید قابل ملاحظه از این مدرک به دولت میرسید.

در جریان مسابقه های کار صدها کارگر پیشتاز با اعطای تقدیرنامه ها، تحصین نامه ها، مدالها، نشانها و ویملهای افتخاری همراه با امتیازهای مادی تقدیر گردیدند و به پیشتازترین آن ها لقب قهرمان کار جمهوری افغانستان از جانب دولت داده شد.

به منظور تطبیق پلانهای تولیدی مؤسسه های دولتی، "کارهای داوطلبانه" و یا بهتر است بگویم کارهای بدون پرداختِ مزد در وقتهای غیررسمی روزانه، تعطیلات هفته و روزهای رخصتی عمومی، از جانب سازمانهای اتحادیه های گارگری مؤسسه ها، سازماندهی و راه اندازی میگردد، که از این مدرک طی یک دهه به ملیاردها افغانی عواید نصیب دولت گردیده بود. با آن که در نفس خود "کار داوطلبانه" در واقع تصاحب ارزش نیروی کار کارگر بدون پرداختِ مزد بود، ولی کارگران، این بخشی از فعالیتهای تولیدی شان را انجام وظایف میهنی خویش میشمردند و از دولت حاکم انتظار آن را داشتند، که در راستای رفاه و بهشد زنده گی اقتصادی- اجتماعی آنان عمل نماید.

یکی دیگر از اولویتهای مبارزاتی اتحادیه های صنفی افغانستان، ارتقای واقعی مزد و معاش و تلاش در جهت تعیین حداقل مزد و دریافت مزدهای متناسب با تورم، مطابق به شرایط زنده گی انسانی بود.

در این رابطه پیشنهادهای مشخص به دولت ارایه گردید و فوندهای تمویلی آن هم نشان داده شد، با آن که رشد شدید انفلاسیون و صعود سرسام آور سطح قیم مواد اولیه زنده گی و تزئید کرایه سرپناه، شانه های کارگران و کارمندان مؤسسه ها و اداره های کشور را خم کرده بود و مردم به اشکال مختلف نارضایتی شان را از وضع نشان میدادند، ولی شورای وزیران نخواست تا در این زمینه صادقانه با استفاده از امکانهای مالی دولت و ریزرفهای دست داشته، به نفع مزدگیران تهنیدست عمل نماید. بل، با پرداختهای بیروکراتیک بورژوامابانه دفع الوقت مینمود. مزید به برخورد نادرست و غیرمسئولانه حکومت در حل مطالبات اساسی و عادلانه مزدگیران، گسترش مداخله، تجاوز و ادامه جنگ باعث آن گردیده بود، تا فقر و تنگدستی بر زنده گی زحمتکشان به خصوص کارگران و کارمندان دولت به ویژه کارمندان ملکی سایه افکند و قدرت خرید آن ها را بیش از پیش کاهش دهد و صدای اعتراض آن ها را در برابر سیاستهای اقتصادی دولت افزایش بخشد.

این وضع باعث آن گردید تا فاصله بین دولت و کارگران و سایر مزدگیران زیاد گردد و از درجه حمایت آن ها از دولت کاسته شود.

ولی باید اذعان نمود، که در طی زمان حاکمیت حزب- دولت دموکراتیک افغانستان به رغم تمام دشواریها و ناهنجاریهای ناشی از مداخله های خارجی، تخریبهای جنگی، کمبود منابع تمویلی، نازل بودن درجه رشد نیروهای مولده و موانع و مشکلهای سیاسی- نظامی متعدد که فرا راه انکشاف و توسعه اقتصادی و به تبع آن در برابر اقدامهای تأمینی دولت برای بهشد زنده گی کارگران وجود داشت، در دهه ۱۹۸۰ فعالیتها با ارزش، به سود رشد و انکشاف اقتصادی و دگرگونیهای اقتصادی- اجتماعی به نفع زحمتکشان انجام یافته است.

با تطبیق پروگرامهای یک ساله و برنامه انکشاف اقتصادی- اجتماعی که برای پنج سال طرح گردیده بود، تعدادی از پروژه های انتقالی تکمیل و شماری از پروژه های جدید در بخشهای صنعتی، ساختمانی، زراعت و مالداری، ترانسپورت و مواصلات و سایر عرصه ها طرح گردید. از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰، بیشتر از ۲۵۰ پروژه متوسط و بزرگ تکمیل گردیده است، که عمده ترین آن ها عبارت اند از:

ساختمان پل اساسی حیرتان بالای دریای آمو، اعمار مجتمع تأسیسه‌های بندری در شهرک حیرتان، ساختمان فابریکه های نفت و گاز جرقدوق در ولایت جوزجان، تکمیل پروژه بسه‌های برقی در شهر کابل، ارتقای ظرفیت تولیدی فابریکه‌خانه سازی در شهر کابل تا ۲۰۰۰ اپارتمان رهايشی در سال، احداث فابریکه‌خانه ناز پزی و سیلو در ولایت بلخ و... {برای معلومات بیشتر به جلد سوم کتاب یادداشتهای سیاسی و رویدادهای تاریخی مراجعه نمایید؛ اثر سلطانعلی کشتمند}.

"در پلان پنج ساله دهه هشتاد اهمیت درجه اول برای رشد عرصه های صنعتی، معدنی و انرژی داده شده بود که ۴۳،۴ درصد مجموع سرمایه گذاریهای انکشافی را احتوا میکرد، خدمات اجتماعی با ۲۳،۷ درصد مقام دوم، ترانسپورت و مخابرات ۲۲،۴ درصد مقام سوم، کشاورزی و آبیاری ۱۰،۵ درصد مقام چهارم را احراز نموده بودند".

ولی در نتیجه قطع مناسبات اقتصادی از سوی کشورهای غربی و نهادهای بین المللی وابسته به آن ها و کاهش کمکهای آن ها، زمینه های عینی برای تحقق کامل برنامه های حزب- دولت فراهم نگردید و حجم سرمایه گذاریها در اقتصاد افغانستان از ۱۵ درصد به ۲ درصد تقلیل نمود و اثرهای منفی بر اقتصاد ملی کشور و سطح زنده گی مردم به جا گذاشت.

در سالهای دهه ۱۹۸۰، با آن که دولت در برنامه ها و سیاستهای ارایه شده خویش رشد تولید داخلی و تشویق صدور کالاهای تولیدی و پیداوار عنعنه یی افغانستان را در اولویتهای خویش قرار داده بود، چنانکه سلطانعلی کشتمند رییس شورای وزیران وقت در کتاب یادداشتهای سیاسی و رویدادهای تاریخی نیز به همین موضوع تأکید نموده و نگاشته:

"صادرات را به عنوان یکی از راههای پذیرفته شده برای رشد تولید، افزایش درآمدهای اسعاری، توازن بیلانس تادیات و تجارت، ارتقای سطح استخدام، تشویق و حمایت مؤلدین و صادر کننده گان و در نتیجه بهبود زنده گی بخشهای از مردم میسرمد..."، ولی در پراتیک برخلاف آنچه ادعا میگردد عملکرد حکومت بر محور رشد و تشویق ورود کالاهای خارجی متمرکز بود، چنانکه برای توريد بیشتر اموال مورد نیاز مردم {به ویژه گندم، آرد، شکر، روغن، گوشت، شیر، صابون، رخت باب، کفش، سمنت، کودکمیای...}، ربع قرصه های اسعاری از ۱۷ فیصد قبل از دهه هشتاد به ۱۴ فیصد تنزیل یافت و بعداً تا به ۵ فیصد پایین آمد و در تعرفه های گمرکی به نفع وارد کننده گان کالاهای خارجی تغییرها و تعدیلهای به عمل آمد، مزید به آن یکی از مدارک عمده تأمین مصارف دولتی، عواید ناشی از فروش کالاهای مصرفی وارداتی کشورهای سوسیالیستی به

ویژه اتحاد شوروی بود و حکومت در واقع در نقش "دلالت" قرار داشت، این وضع ضربه اساسی را بر تولید داخلی و صنایع نوین کشور وارد نمود و باعث آن گردید که هزارها کارگر جای کار و شغل خود را از دست بدهند و تنقیضها در تشکیل اغلب مؤسسه های صنعتی عمدتاً در بخش خصوصی به میان آید و به طول لشکر بیکاران افزایش به عمل آید.

در عرصه حفاظت و تأمین شرایط ایمنی کار،

به منظور حفاظت مؤثر از کار، رعایت نورمها و تأمین شرایط ایمنی کار، شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان موفق گردید تا لابراتوار تحقیقاتی را در این زمینه ایجاد نماید، این لابراتوار که به همکاری و مساعدت مالی و تخنیکی اتحادیه های مسلکی سراسری اتحاد شوروی تأسیس گردید و فعالیتهای آن به وسیله کارشناسان حرفه یی شورای مرکزی اتحادیه پیشبرده میشد، نقش قابل توجه را در آموزش و ارتقای سطح آگاهی مسلکی کادرهای حرفه یی سندیکایی و کنترل از چگونگی شرایط ایمنی کار و نورمهای حفاظت کار در مؤسسه های تولیدی کشور ایفا مینمود.

در عرصه روابط بین المللی،

به منظور تأمین روابط و همبسته گی بین المللی با جنبشهای کارگری جهانی و نهادهای متعلق به آن، اتحادیه های صنفی افغانستان عضویت سازمان بین المللی کار، فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و کنفدراسیون آزاد بین المللی اتحادیه های کارگری را حاصل نمود. هم چنین با ۲۰۲ نهاد کارگری جهانی (کشورهای آسیایی، اروپایی، امریکایی و کشورهای اسلامی) روابط و مناسباتش را تأمین نموده بود و با ۵۲ سازمان اتحایه یی کارگری پروتوکولهای همکاری دو جانبه را عقد نمود. در چوکات این پروتوکولها، تبادل هیئتها، اعزام کادرهای سندیکایی جهت آموزش و تعمیم تجارب، اعزام کارگران و اطفال جهت استراحت و تداوی صورت میگرفت. براساس این پروتوکولها اتحادیه های صنفی افغانستان از مساعدهتهای مالی، تخنیکی و کادری سازمانهایی که با آن ها پروتوکول عقد نموده بود، مستفید گردیده. چنانکه در درازای سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۰ خورشیدی، در حدود ۳۰۰ هیئت در سطوح مختلف در کنفرانسها، گردهماییها، سمینارها و ورکشاپهای بین المللی شرکت کردند، ۵۰ تن از استادان خارجی جهت آموزش کادرهای سندیکایی افغانی به افغانستان آمدند، ۶۰۰ تن فعالان اتحادیه یی افغانی جهت آموزش سندیکایی، به خارج کشور فرستاده شدند.

مزید به آن بیشتر از ۷۰۰ تن کارگران و کارمندان مؤسسه ها و ادارات کشور جهت استراحت به کشورهای شوروی سابق، آلمان دموکراتیک، بلغاریا، رومانی، چکوسلواکیای سابق و منگولیا اعزام گردیدند و بیشتر از ۱۶۶۰۰ طفل جهت تفریح به کشورهای آسیای میانه فرستاده شدند. تمام مصارف این بر نامه ها از سوی کشورهای دعوت کننده پرداخته شده است.

بخش قابل ملاحظهء بودجهء مصرفی اتحادیه های صنفی افغانستان از مدرک مساعدتهای سازمانهای بین المللی کارگری و سازمانهای اتحادیه یی کشورهایی که با آن ها پروتوکولهای همکاری عقد گردیده بود، تمویل میگردد. "اتحادیه های مسلکی سراسری شوروی" نسبت به همه در تمویل و تجهیز این سازمان سهم بیشتر را به دوش داشتند.

حضور فعال در وضعیت سیاسی کشور:

در دههء هشتاد اتحادیه های صنفی افغانستان از نظر کمیت به بزرگترین سازمان توده یی تبدیل گردید و به مثابهء کثیرالعهده ترین سازمان اجتماعی، موقعیت خویش را در بین نهادهای سیاسی و اجتماعی فعال و مؤثر در وضعیت سیاسی کشور تثبیت نمود.

اتحادیه های صنفی افغانستان بر پایهء اصول مبارزاتی خویش، به منظور بیان مطالبات اساسی کارگران و سایر کارکنان ادارات و مؤسسه های تولیدی و خدماتی کشور و احقاق حقوق آن ها، مبارزات پارلمانی را به عنوان یکی از اشکال اساسی و عمدهء مبارزه پذیرفته بود. زیرا به این باور بود، که تحقق مطالبات صنفی، مسلکی و اقتصادی آن ها بدون تلفیق مبارزات اجتماعی-اقتصادی و سیاسی مقدور نیست. بر پایهء همین تفکر، اتحادیه های صنفی افغانستان در مبارزات پارلمانی اشتراک نمود و برای شمولیت به پارلمان حدود ۲۰ تن نماینده های خویش را در شهر کابل و ولایتهای بزرگ کاندید نمود. در نتیجهء این مبارزات، اتحادیه های صنفی افغانستان موفق گردید تا برای بار نخست، فراکسیون پارلمانی خویش را در ولسی جرگهء افغانستان که طبق قانون اساسی تأسیس شده بود و کار خود را به تاریخ ۲۸ می ۱۹۸۸ مطابق هشتم جوزای ۱۳۶۷ با داشتن ۱۸۴ نماینده آغاز کرد، ایجاد نماید.

اعضای این فراکسیون پارلمانی عبارت بودند از: عبدالستار پُردلی، پوهاند بلبل شاه جلال، جانگل کارگر، رستم کارگر، بسم الله کارگر. (مجلس سنا).

فراکسیون پارلمانی اتحادیه های صنفی افغانستان قاطعانه در دفاع از منافع و حقوق مزدگیران قرار گرفت و با استفاده از صلاحیتهای پارلمانی خویش حکومت را در رابطه به عدم ایفای مکلفیتهایش در برابر کارگران و کارمندان دولت مورد سوال قرار میداد. چنانکه تقاضای جلسهء

استیضاح از حکومتِ صدراعظم خالقیار در رابطه به عدم توزیع به موقع مواد کوپونی کارکنان دولت، که از جانب فراکسیون پارلمانی اتحادیه های صنفی افغانستان به عمل آمده بود و حمایت اکثریت اعضای پارلمان را حاصل نموده بود بنابر دلایل سیاسی، باعث مداخله شخص رییس دولت دوکتور نجیب الله و سبکدوشی رییس شورای مرکزی امکا و مسؤول فراکسیون پارلمانی این سازمان و نقض اساسنامه آن از جانب حزب- دولت گردید.

پلنوم شورای مرکزی امکا جهت محدود ساختن مداخله های حزب- دولت و تأمین استقلال سازمان، مطابق اساسنامه خویش، محترم پوهاند فقیرمحمد زمری، شخصیت با اعتبار و مستقل اجتماعی و غیرحزبی را به حیث رییس شورای مرکزی برگزید.

اتحادیه های صنفی افغانستان در کنگره مؤسس جبهه ملی پدر وطن که به تاریخ ۱۵ جون ۱۹۸۱ در تالار سلامخانه ارگ ریاست جمهوری کابل، به شرکت حدود یک هزار تن از نماینده گان اقشار و طبقات مختلف اجتماعی و نماینده های سازمانهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و شخصیتهای مستقل سیاسی و اجتماعی کشور دایر گردید، سهم فعال داشت.

کنگره، از جمع نماینده ها، ۹۵ تن را به حیث اعضای کمیته ملی جبهه به عنوان عالیترین مقام رهبری آن انتخاب نمود، که در این ترکیب ۱۲ تن نماینده های اتحادیه های صنفی افغانستان، هم برگزیده شدند، که عبارت بودند از:

۱- احمد علی، کارگرسیلوی مرکزی- کابل؛

۲- بابہ قلیچ، رییس اتحادیه قالینبافان- فاریاب؛

۳- خواجه نفیس، کارگر نساجی گلبهار؛

۴- شیراکرم کارگر،- کارگر نساجی؛

۵- عبدالحمید وهاب، پیشه ور از شهر کابل؛

۶- عبدالرحیم کارگر، کارگر تفحصات نفت و گاز جوزجان؛

۷- عبدلستار پُردلی رییس شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان؛

۸- عبدالغنی کارگر، کارگر نساجی گلبهار؛

۹- فهیمه الله یار، معلمه؛

۱۰- گل غُتی، معلمه از ولایت ننگرهار؛

۱۱- محمد حسن سپاهی، معاون اتحادیه های صنفی افغانستان؛

۱۲- نوازعلی سرود، پیشه ور مسؤول شعبه تبلیغ و ترویج اتحادیه های صنفی افغانستان.

در عرصه مالی،

مطابق به مقررات و طرزالعمل هایی که در زمینه تدوین بودجه ادارات و مؤسسه های دولتی کشور وضع و نافذ گردیده بود و با رعایت قوانین مالی- حسابی موضوعه دولت، مطابق به اساسنامه سازمان، بودجه و تشکیل دستگاه شورای مرکزی و واحدهای دومی و شوراهای ولایتی آن از سوی شعبه مالی همه ساله طرح و به تصویب هیئت ریسه شوری مرکزی میرسید. در دهه هشتاد، بودجه مالی سالانه سازمان از منابع زیر تمویل میگردد:

- مساعدت مالی دولت جمهوری افغانستان، که سالانه در بودجه عادی عمومی دولت بر اساس پیشنهاد شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان و توافق وزارت مالیه افغانستان، منظور میگردد. {در برابر این مساعدت اتحادیه های صنفی افغانستان در رابطه به تطبیق پلانهای انکشاف اقتصادی- اجتماعی دولت و پلانهای مؤسسه های تولیدی معادن، صنعتی، ساختمانی و ترانسپورتی دولتی، تعهدهایی را به دوش گرفته بود}؛

- حق العضویتهای اعضای اتحادیه، {هر عضو اتحادیه مطابق به اساسنامه اتحادیه، مکلف به پرداخت یک درصد معاش ماهوار خود، در هر ماه بودند. این مبلغ از معاش کارکنان از سوی اداره و مؤسسه مربوطه وضع و به حساب بانکی شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان، انتقال داده میشد}؛

- مساعدتهای مالی و تخنیکی سازمانهای اتحادیه یی جهانی عمدتاً اتحادیه های مسلکی سراسری اتحاد جماهیر شوروی، فدراسیون جهانی کارگری و سازمانهای کارگری کشورهای شرق اروپا؛

- عواید نهادهای انتفاعی متعلق به اتحادیه های صنفی افغانستان، که به منظور خودکفایی این سازمان ایجاد گردیده بود. سازمانهای اتحادیه های صنفی مؤسسه ها صلاحیت داشتند که تا ۳۰ فیصد پول حق العضویت اعضای سازمان مربوطه خویش را صرف امور فرهنگی و آموزشی اعضای خود بدارند.

ابواب مصرفی عبارت بودند از:

- تادیه مزد و ضمایم مزد کارمندان اپرات دستگاه مرکزی، شوراهای ولایتی و کارمندان حرفه یی که در مؤسسه ها و ادارات بزرگ ایفای وظیفه مینمودند؛

- خریداری اجناس و وسایط، جهت پیشبرد امور مربوطه سازمان؛

- مصارف جهت اجرای خدمات فرهنگی، تربیتی، آموزشی- آگاه سازی و حقوقی برای اعضا؛

- ایجاد نهادهای کوچک تولیدی- خدماتی انتفاعی، (سرمایه گذاری)، به هدف خودکفا شدن سازمان از نظر مالی.

به منظور جلوگیری از فساد اداری - اقتصادی، طرزالعمل های مشخص مالی وضع گردیده بود و امور مالی و حسابداری سازمان پیوسته از طرف شعبه تفتیش مرکزی بررسی میگردید. {برخی از این لوایح و طرزالعملها در آرشیف مرکزی این سازمان تا کنون موجود است}.

بیلابت عواید و مصارف سالانه این سازمان که به وزارت مالیه ارایه میگردید، {برخی از آن اسناد در آرشیف شورای مرکزی اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان به چشم میخورد}، بیانگر این است که صرفه جویی در مصارف و پیشگیری از ضایعه های مالی به یک پرنسیپ معمول در این سازمان تبدیل گردیده بود، کسر بودجه وجود نداشت، در بیلابت عواید و مصارف آن طی سالهای متذکره عواید میزان بلند را نسبت به مصارف نشان میدهد. {مجموع بودجه سالانه به صورت اوسط به شمول ذخایر اسعاری و تعهدهای سازمانهای بین المللی کارگری، تقریباً پنجاه ملیون افغانی سنجش میگردید}.

دارایی ها و ملکیتها سازمان:

به منظور تقویت پایه های مادی سازمان و استفاده از امکانات و ریزرفهای دست داشته در راستای خودکفا ساختن سازمان اقدامهای زیر صورت گرفت:

تأسیس دستگاه خیاطی،

این دستگاه که به مساعدت کشور چکوسلواکیا تأسیس شده بود، دارای حدود هفتاد پایه ماشین خیاطی بود، در آن بیشتر از ۵۰ تن زنان کارگر مصروف کار تولیدی بودند، البسه کار مورد تقاضای تعدادی از مؤسسه های تولیدی شهر کابل، مطابق نورمهای حفاظت کار در این دستگاه تولید میگردید و از جمله نهادهای انتفاعی "امکا" به شمار میرفت.

ایجاد مؤسسه ترانسپورتی باربری،

در آستانه خروج قطعات نظامی اتحاد شوروی، بر بنیاد "همبسته گی بین المللی"، دولت اتحادشوروی وقت، ۴۰ عراده موتر باربری کاماز فعال را به منظور ایجاد مؤسسه ترانسپورتی باربری به شورای مرکزی "امکا"، مساعدت بلاعوض نمود، که با استفاده از آن مؤسسه ترانسپورتی باربری امکا ایجاد و بعداً با استفاده از عواید حاصله آن، تقویه گردید. این مؤسسه در انتقال مواد شامل کوپون کارکنان دولت - به خصوص گندم - از بنادر حیرتان و تورغندی به شهر کابل در بدترین شرایط جنگی خدمتهای با اهمیتی را انجام میداد و به حیث یکی از

نهادهای انتفاعی "امکا" تا فروپاشی حزب- دولت، فعال بود و یکی از نهادهای انتفاعی "امکا" شمرده میشود.

مهمانخانهء آمو،

مهمانخانهء آمو، به حیث یک نهاد انتفاعی شواری مرکزی "امکا" در سال ۱۳۶۶ خورشیدی در کارتهء ۴ شهر کابل تأسیس گردید. تعمیر و ساحهء سبز این مهمانخانه که ظرفیت بیشتر از ۲۰۰ بستر را در یک وقت داشت، از پول پس انداز شواری مرکزی "امکا" خریداری شده بود و یک بخش بودجهء مصرفی شواری مرکزی "امکا" از مدرک عواید آن تمویل میگردد.

مزید به نهادهای انتفاعی فوق شواری مرکزی "امکا" دارای دو شرکت مختلط تجارتي و ساختمانی (دستگاه ساختمانی خورشید و شرکت تجارتي قافله) نیر بود، که تا فروپاشی حاکمیت حزب- دولت سال ۱۹۹۲، از جمله نهادهای فعال و با اعتبار به شمار میرفت. شواری مرکزی اتحادیه های کارکنان افغانستان، طی سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰، برای پیشبرد فعالیتهای خویش تعمیرهایی را خریداری نموده بود، که تاکنون در جملهء ملکیتهای قانونی و ثبت شده آن قرار دارد و عبارت اند از:

تعمیر دفتر مرکزی امکا، واقع شش درک شهر کابل در جوار هتل آریانا، دفتر مرکزی شواری شهر کابل "امکا" واقع چوک دهمزنگ شهر کابل، مهمانخانهء آمو، واقع کارتهء ۴ شهر کابل، ساحهء کمپلکس ورزشی در جوار تپهء مرنجان واقع مکروریان اول شهر کابل، {دارای تأسیسات ورزشی و رهایشی}.

هم چنان "امکا" ملکیتهایی را در ولایتهای تخار، سمنگان، بلخ، جوزجان، هرات، پروان، نیمروز، هلمند و فراه از پول حق العضویتهای اعضای خود و مساعدتهای سازمانهای کارگری جهانی برای دفاتر شوراهای ولایتی خویش خریداری نموده بود که قباله های شرعی آن ها در آرشیف اسناد شواری مرکزی امکا موجود و محفوظ بود.

باید تذکار داد، که دولت وقت افغانستان طی سالهای متذکره برای پیشبرد فعالیتهای آموزشی، فرهنگی و کلتوری این سازمان تعمیرها و تأسیسهایی را نیز طی فرمانهای جداگانه در اختیار "امکا" قرار داده بود، که دوباره به دولت استرداد گردیده است.

قسمت سوم

اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان "امکا" و دوره انارشیستی

مجاهدین!

با درد و دریغ، برنامه های حزب- دولت، در بستر بیش از یک دهه جنگ داخلی، مقاومت سازمانیافته نظامی علیه حاکمیت و مداخله مستقیم نظامی دو ابر قدرت جهانی در امور کشور از یک سو و خیانتها، اشتباهها، لغزشها، معامله گریها و کودتاهای درون نظام از سوی دیگر به شکست انجامید. در ثور ۱۹۹۲، حزب- دولت و نهادهای جنبی آن از جمله اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان از هم پاشید و راه برای به قدرت رسیدن گروهها و تنظیمهای جهادی! و به وجود آمدن حاکمیت انارشیستی مجاهدین! باز گردید.

بعد از فروپاشی حزب- دولت و به میان آمدن دولت اسلامی!، سرشت اجتماعی- سیاسی و ایدیالوژیک حاکمیت و دولت، امکانهای دستیابی به مطالبات و حفظ ارزشهای را که کارگران و سایر زحمتکشان طی دهه هشتاد نصیب گردیده بودند، سلب نمود.

عملکردهای نظام جهادی- طالبی!، به وضاحت نشان میدهد که در هنگام سیادت شان، جز اختناق، ترور، خودکامه گی، نقض حقوق بشر، وابسته گی به کشورهای بیگانه و ارتجاع جهانی، چسپیدن به منافع گروهی و تنظیمی و تصاحب، غارت، چپاول و دزدی دارایی و ثروتهای دولتی، نهادهای اجتماعی و عامه و دستبرد به مال و جان مردم کاری نکردند.

بعد از ثور ثانی! (۱۹۹۲)، مهاجرت ناگزیر و تحمیلی "جامعه مدنی" افغانی و بخش بزرگ روشنفکران آگاه، تحصیل کرده ها و کتله بزرگ از کارگران و کارکنان دولتی، پیشه وران، دهقانان و سایر اقشار مولد و از هم پاشیده گی تمام نهادهای سیاسی، دولتی، اجتماعی، حقوقی- قضایی و فرهنگی عملاً کشور را به یک سرزمین فاقد دولت و اداره مرکزی تبدیل نمود.

بالنده گی نسبی و پویایی که از پی دومین جنگ جهانی، در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی- با آنکه آهنگ رشد آن بطی بود- آغاز یافته بود، با روی کار آمدن انارشی دوران مجاهدین و از پی آن استقرار نظام اولیگارشی طالبان متوقف شد و بالای جامعه افغانی، عقبگردهای فاجعه آفرین تحمیل گردید.

بعد از سقوط نظام حاکم به اثر کودتای نظامی در سال ۱۹۹۲ و تسلیم قدرت دولتی از سوی کودتاچیان به گروههای جهادی!، بحران سیاسی نظامی، اقتصادی، بد امنی و انارشیزم سراسر کشور را فرا گرفت.

جنگ بالای تصاحب و تقسیم قدرت و ثروت، میان شاخه های جهادی و تنظیمهای اسلامی، کشور را به سرزمین سوخته مبدل ساخت.

تمام داراییهای متعلق به دولت، اشخاص، مؤسسه های خصوصی، احزاب، سازمانهای اجتماعی و نهادهای مدنی، دزدی، غارت، تاراج و غضب گردید. فرهنگ چور، غارت، غنیمت و جزیه گیری بر کشور سایه افگند. اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان همانند دیگر مؤسسه ها و نهادها از این مصیبت مصون نماند.

کلیه داراییهای منقول و غیرمنقول، ذخایر اسعاری و داراییهای بانکی و پولی مرکز و ولایتیهای آن غارت و مورد دستبرد قرار گرفت. این غارت از دفتر شورای مرکزی آغاز و تا دفترهای سازمانهای اتحایه یی کارمندان مؤسسه ها ادامه یافت، تعمیر دفتر مرکزی شورای مرکزی امکا، به جزو تام نظامی حزب وحدت اسلامی! تبدیل شد، تعدادی از کادرهای رهبری، اپرات مرکزی، فعالان و اعضای سازمان زندانی و مجبور به ترک کشور گردیدند. ساختار تشکیلاتی "امکا" فرو پاشید. براساس معلوماتی که از سوی دفتر شورای مرکزی "امکا" بعد از احیای مجدد آن سازمان در سال ۲۰۱۰ انتشار یافته است، رقم خساره های وارده به این سازمان بیش از ۳ ملیار افغانی سنجش گردیده است.

با به میان آمدن نظام جهادی- اسلامی! و فروپاشی نهادهای مدنی، نهضت اتحادیه یی کارگری کشور متحمل شکست عمیق گردید، سازمانهای اتحایه یی به سازمانهای خموش مبدل شد و روابط ارگانیک رهبری سازمان با سازمانهای کارکنان مؤسسه ها و ادارات گسست. در سالهای اول حکومت مجاهدین، قوناندانهای جهادی این سازمان را متعلق به نظام گذشته میدانستند و بر چسپ ضد دین اسلام را به آن میزدند، بعداً از اهمیت آن اطلاع حاصل نمودند و تصمیم به احیای آن گرفتند. با صدور فرمانی از نام رییس جمهور اجازه فعالیت به آن دادند و خواستند با استفاده از افرادی وابسته به خود از این سازمان استفاده ابزاری به نفع خویش نمایند.

اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان و اولیگارشى طالبان:

کالبد شگافی پدیده طالبان، شناخت دقیق و مستند تفکرها، عقاید و رفتارهای آن ها، نقد اندیشه ها و سیاستهایی که منجر به ظهور این گروه گردید، چگونه گی پیدایش این جریان و وابسته گی آن به دولت پاکستان و برخی کشورهای همسایه، منابع تأمین مالی، اطلاعاتی و تسهیلاتی آن ها و نتایج عملکردها و سیاستهای آن ها به زنده گی و سرنوشت مردم افغانستان، از اهمیت زیادی برای بررسی و مطالعه رویدادهای تاریخی اخیر کشور و روندهای جاری برخوردار است، که یقیناً تحلیلگران، مؤرخان و پژوهشگران به آن خواهند پرداخت. باید تذکار

داد، که همین اکنون مقاله ها و نوشته های مستند تحلیلی زیادی در این مورد در مطبوعات داخلی و بیرونمرزی کشور به نشر رسیده است، که خواننده های این سطور میتوانند از آن مستفید گردند.

از این که تحلیل، بررسی و یا توضیح ابعاد متعدد پدیده یی به نام طالبان! در این نوشتار مقدور نیست، از آن فعلاً صرف نظر نموده صرفاً در مورد برخورد و موقف "امارات اسلامی طالبان" در برابر اتحادیه های صنفی افغانستان درنگی مؤجز مینمایم.

حرکتی به نام "جنبش طالبان!"، از خارج مرزهای کشور به کمک نظامی دولت پاکستان و حمایت برخی از کشورهای عربی و دول غرب آغاز و در نوامبر ۱۹۹۴ کنترل ولایت قندهار را به دست گرفتند و به تعقیب آن در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۶ شهر کابل را تصرف نمودند و مطابق الگوی مهندسی شده قبلی ساختار قدرت مرکزی را برقرار ساختند.

بعد از آن که حکومت مجاهدین به رهبری جمعیت اسلامی و شورای نظار در پانزدهم برج میزان سال ۱۳۷۵ خورشیدی توسط "جنبش طالبان" به سمت شمال رانده شدند، اداره اسلامی طالبان به تدریج تمام شهرهای کشور را اشغال و مدت پنج سال (۱۹۹۶-۲۰۰۱)، بر سرنوشت مردم حاکم ساخته شدند. کشور را مطابق بینش و طرز تفکر و تعبیر اسلامی خویش با زور نیزه، شلاق، دربند کشیدن، به دار آویختن و آتش زدن اداره کردند.

امارت اسلامی طالبان، تمام دروازه های نهادهای جامعه مدنی، سازمانهای علمی، تعلیمی، فرهنگی، حقوقی و ادارات و مؤسسه های دولتی و خصوصی را مسدود نمودند. داراییهای آن ها را غنیمت شمردند و شبکه اداره استبدادی خود را به جای آن ها ایجاد نمودند.

آن چی از امکانهای مالی و تخنیکی اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان بعد از دستبرد دوران حکومت انارشییستی مجاهدین! باقی مانده بود، به فرمان امیر امارت طالبی با توجیه این که این نهاد غیر اسلامیست، از تصرف فعالان این سازمان خارج ساخته شد و فعالیت آن ها منع و اتحادیه ملی کارکنان افغانستان لغو گردید.

با صدور فرمان از سوی مقام امارت اسلامی طالبان، تمام جایدها و داراییهای منقول و غیرمنقول "امکا" به وزارت کار و تأمینات اجتماعی تعلق گرفت، تشکیلات آن رسماً لغو و کادراهی حرفه یی این سازمان بی سرنوشت و مورد پیگرد قرار گرفتند. با آن که تعداد قابل ملاحظه یی از فعالان و رهبری مرکزی و ولایتی این سازمان مجبور به ترک وطن گردیدند و متوالی شدند، ولی این سازمان از پا نیفتاد و هنوز هم نفس میکشد.

اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان بعد از کنفرانس بن ۲۰۰۱

در حدود یک هفته بعد از وقوع حملات ۱۱ سپتامبر، رییس جمهور وقت امریکا، اسامه بن لادن رهبر سازمان القاعده در افغانستان را مسؤول حمله های تروریستی یازدهم سپتامبر و به عنوان مظنون اصلی شناسایی کرد. در پی آن در هفت اکتبر ۲۰۰۱، جنگ افغانستان توسط نیروهای ایالات متحده امریکا تحت نام رسمی «عملیات دوامدار آزادی!» و «مبارزه علیه تروریسم!»، بعد از انجام هماهنگیها با «ایتلاف شمال افغانستان!» و توظیف آنان برای پیشبرد برخی عملیات آغاز شد.

امریکا، انگلستان و همپیمانهای آن ها سرزمین افغانستان را با وقاحتی بیمانند در تاریخ بشر مورد حمله های سنگین کور نظامی و بمباردمان شدید هوایی قرار دادند، مزید بر اهداف نظامی هزارها تن بمب سنگین وزن را بالای ساختمانهای رهائشی، مؤسسه های دولتی- خدماتی و افراد بی دفاع و مظلوم ملکی ریختند.

در آن زمان کارگران آگاه و سایر کارکنان اداره ها و مؤسسه های کشور، همصدا با نیروهای وطن دوست، دادخواه و تحول طلب و نهادهای ترقی پسند و صلحخواه کشور حمله های امریکا و شرکای آن را به سرزمین افغانها شدیداً تقبیح کردند و خواهان توقف بمباردمان کور بر مردمان رنج دیده افغانستان گردیدند و هوشدار دادند که رهایی و آزادسازی انسان در بند افغان، استقرار صلح پایدار و دموکراسی در افغانستان و ریشه کن کردن "اسلامیزم افراطی!" به هیچ وجه از طریق پامال کردن حقوق انسانهای بیگناه و کشتار وحشیانه و نابودی جمعی آنان و تخریب مؤسسه های تولیدی و غیرتولیدی توسط سلاحهای مدحش میسر نخواهد شد.

گرداننده گان الیگارشی طالبان در پی حمله های شدید هوایی و زمینی نیروهای نظامی امریکا، به عقبنشینی نظامی و تخلیه شهرها دست یازیدند. قوای ایتلاف شمال مواضع رها شده از سوی طالبان در شهر کابل و شهرهای دیگر را اشغال نمودند.

فقدان الترناتیف سیاسی مسألهء جدی را در برابر امریکا و همپیمانهای اروپایی آن مطرح کرد، آن ها به عجله دست به تدارک و تدویر گردهمایی و کنفرانس بن زدند.

بر اساس اسناد تصویب شده در این کنفرانس، افغانستان فاز نوبتی از تاریخ سیاسی خود را آغاز نمود. تدوین و تصویب قانون اساسی، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، تشکیل اردوی ملی و پلیس ملی، خلع سلاح عمومی، حضور قوای بین المللی جهت تأمین امنیت، تلاش در جهت بازسازی افغانستان به مساعی جامعهء جهانی و برخی اقدامها در راستای دولتسازی از موارد مهم و اساسی مفاد توافقنامهء کنفرانس بن به شمار میرفت.

پس از کنفرانس بُن، افغانستان وارد وضعیت جدیدی گردید، در مورد تأثیر کنفرانس بُن بر وضعیت کشور، باید گفت که کنفرانس بن اثرها، نتایج و پیامدهای خیلی زیادی داشت، اما در مورد این که این پیامدها واقعاً توانسته باشند بر سیر تحولات در افغانستان آن چنانی که مردم انتظار داشتند یک تأثیر جدی مثبت، همه‌جانبه، بنیادی و پیشرونده داشته باشند، تردید وجود دارد.

کنفرانس بُن با نوعی شتابزده گی عجولانه برگزار شد و روشها و ابزارهایی که روی دست گرفته شد، با اهدافی که برای مردم افغانستان و افکار عامه جهانیان اعلام گردیده، سازگاری نداشت. ایجاد یک حکومت قانونی، استقرار جامعه دموکراتیک، تأمین صلح و نهادینه کردن ارزشهای حقوق بشر، ظاهراً از اهداف کنفرانس بُن بود، که تا هنوز در این راستا کمترین کار اساسی و ثمربخش صورت نگرفته است.

تناقض میان اهداف کنفرانس بُن و ابزارهایی که جهت تحقق این اهداف در نظر گرفته شده بود، باعث ناکامی این کنفرانس گردید. به گونه مثال استفاده از جنگسالاران برای تأمین صلح، استفاده از غاصبان و ناقضان حقوق بشر برای تأمین حقوق بشر، استفاده از عناصری که اصولاً به دموکراسی اعتقاد نداشتند برای تحقق دموکراسی، استفاده از جریانها، تشکیلات یا گروههای که در ضدیت با زن و حقوق زن سابقه داشتند، برای تأمین حقوق زن، مواردیست که امکان دستیابی به این اهداف را از جامعه افغانی سلب نمود.

مصلحتگرایی، معامله گری و کنارزدن نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه از وضعیت سیاسی کشور، کُل پروسه بُن را متأثر ساخت و زمینه های ناکارایی آن را از قبل فراهم نمود، ما شاهد آن بودیم که، لویه جرگه یی که بعد از کنفرانس بُن برگزار گردید، بیش از این که یک مجلس مردمی بوده باشد، مجلس قوماندانهای جهادی! بود که قبلاً نیز در رویدادها، تحولات، بد امنیها، جنگها و تخریب افغانستان نقش داشتند.

به رغم آن که نواقص، کمبودها و زد و بندهای آشکار و پنهان بر این روند سایه افکند، با آن هم فرصتها، امکانها و زمینه‌های نسبتاً بهتر بعد از حضور نظامی امریکا- ناتو در عرصه های زنده گی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای جامعه افغانی مهیا شد، که میبایست از آن ها استفاده مطلوب به نفع آزادی، ترقی و بهشد زنده گی مردم به ویژه زحمتکشان کشور به عمل می آمد. شکلگیری احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی هرچند به صورت نمادین، تأسیس رسانه‌های آزاد، آزادی بیان و شکلگیری نهادهای مدنی، همه از دستاوردهای پس از حضور جامعه جهانی و اشغال امریکا- ناتو میباشند، که نمیشود این ارزشها را نادیده گرفت.

هم زمان با تشکیل اداره موقت و حکومت انتقالی، با ظهور فضای جدید سیاسی بعد از یک دهه رکود، انجماد و ترور و اختناق به همکاری جامعه جهانی روند بازسازی در عرصه های اقتصادی- اجتماعی کشور آغاز گردید، ساختار دولتی تکوین و هسته های نهادهای اقتصادی، اجتماعی، قضایی و فرهنگی، پیریزی شد و نهادهای جامعه مدنی- صرف نظر از ماهیت سرشتی آن ها- یکی پی دیگر احیا و ایجاد گردید.

از اثر اقدام شجاعانه، مدبرانه و تلاش پیگیر تعدادی از کادرها و فعالان پیشین اتحادیه یی کشور، کار احیا و هسته گذاری مجدد سازمانهای اتحادیه های صنفی کارکنان اداره ها و مؤسسه های کشور در اوایل سال ۱۳۸۱ آغاز شد.

در بهار سال ۱۳۸۱، خورشیدی کنفرانس اضطراری اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان "امکا" تحت آژندای "نوسازی و بازسازی اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان" با شرکت ۳۰۰ تن از فعالان اتحادیه یی مربوط به رشته ها و مسلکهای مختلف، تحت نظر نماینده های سازمان بین المللی کار، (آی. ال. او.) و اتحادیه اروپا به اشتراک نماینده گان وزارت های عدلیه و کار و تأمینات اجتماعی افغانستان در شهر کابل دایر گردید.

کنفرانس ساختار تشکیلاتی و اصول مرامی موقت "امکا" را تصویب و هیئت رهبری شورای مرکزی و برخی شوراهای ولایتی را برای یک دوره موقت انتخاب نمود

کنفرانس بازسازی و ایجاد شوراهای ولایتی و سازمانهای اتحادیه یی مؤسسه ها و ادارات کشور و دعوت مجدد اعضا را به سازمان شان در اولویتهای کاری "امکا" قرار داد و به شورای مرکزی این سازمان وظیفه سپرد، تا در مورد به دست آوردن تمام ملکیتها و جای دادهایی که ملکیت قانونی این سازمان است اقدام نمایند.

بعد از تدویر کنفرانس اضطراری "امکا"، فعالیت رسمی آن سازمان با حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی تعدادی از کارگران و کارکنان اداره ها و مؤسسه های دولتی و خصوصی و به اساس فرمان شماره (۱۵۲) تاریخی ۵-۸-۱۳۸۱ خورشیدی رییس حکومت موقت، رسماً در قوس ۱۳۸۱ به شکل قانونی آغاز گردید.

اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان به حیث یگانه سازمان اجتماعی با گذشته روشن ترقیخواهانه و مدافع پیگیر حقوق کارگران و کارکنان اداره ها و مؤسسه های دولتی و خصوصی کشور که جدیدترین مرحله بازسازی و احیای مجدد خویش را طی مینماید و وارد مرحله گذار از رکود به سوی پویایی گردیده است. با وجود تمام پیچیده گیها؛ کاستیها، مشکلهای بی مسؤولیتها و نادرستیهای (گرایشهای گونه گون گاه متضاد در هسته رهبری و فعالان آن) که در کار آن بوده، فعالیت های قابل لمس و فداکارانه را در عرصه های سازماندهی، تشکیلاتی، دفاع

از حقوق صنفی اعضا و بهبود زنده گی اقتصادی- اجتماعی کارگران و کارکنان اداره ها و مؤسسه های کشور مطابق امکانش انجام داده است

برای این که تصویر نسبتاً روشنی از کار و فعالیت و وضعیت کنونی "امکا" ارایه گردیده باشد، اینک، محتوای نکته های عمده گزارشی را که در سندی تحت عنوان «معلومات مختصر در رابطه به اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان» از سوی شورای مرکزی اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان در سال ۲۰۱۰، برای فعالان آن سازمان ارایه گردیده است، به صورت مؤجز ذیلاً ارایه می نمایم:

"... رهبری "امکا" در ورشنی تصامیم و فیصله های کنفرانس سال ۱۳۸۲ خورشیدی، "امکا" که در آن اعضای شورای مرکزی با کمیت ۷۵ عضو، رییس و اعضای هیئت ریسه و دارالانشای شورای مرکزی را انتخاب و تشکیل شورای مرکزی و شوراهای ولایتی و سازمانهای اتحادیه های صنفی مؤسسه ها و اداره ها را به تصویب رسانید. کارها و فعالیتهای آتی را انجام داده است:

جهت پیشبرد فعالیتهای سازمان، در دستگاه شورای مرکزی، شعبات تشکیلات، مالی، حقوق و حفاظت کار، اقتصاد، تبلیغ و آموزش، روابط بین المللی... ایجاد و کادرهای سابقه دار و جوان به حیث مسؤولان این شعبات تعیین گردیدند.

در اغلب مؤسسه ها و ادارات بزرگ شهر کابل، در چوکات تشکیلات شورای شهر کابل، سازمانهای قبلی اتحادیه احیا و در تعدادی سازمانهای جدید ایجاد گردیده است.

با آن که فعال سازی یک هسته تشکیلات اتحادیه یی در یک اداره و یا مؤسسه- دولتی و خصوصی- و یا یک ولایت در اوضاع و احوال کنونی که در تمام ادارات و مؤسسه ها فساد اداری- اقتصادی، رشوت، اختلاس، بیعدالتی، بحران اقتصادی و مدیریت وعدم قانونیت سایه افکنده است و نا امنی، خشونت، خودکامه گی و زورسالاری بر کشور حاکم است، کاری بسا مشکل و پیچیده میباشد و شجاعت، دلیری و سرسپرده گی بیشتر از ما میطلبد، با آن هم در ۲۰ ولایت شوراهای ولایتی "امکا" فعال گردیده اند و کار سازماندهی و جذب کارگران و کارکنان جریان دارد.

تاکنون در حدود ۱۵۰ هزار عضو در سراسر کشور به اتحادیه های صنفی پیوسته اند، که از جمله ۳۰٪ آن پول حق العضویت شان را میپردازند، پایین بودن گراف پرداخت حق العضویتهای عمدتاً کم بودن مزد و معاش، فقر اقتصادی، تنقیضهای اجباری، فروش یا اجاره فابریکه ها، تأسیسهای اقتصادی و خدماتی و مزید به آن بیباوری کارکنان مؤسسه ها و ادارات به آینده کشور است.

به منظور گنجاندن موادی در قانون اساسی به نفع کارگران و کارمندان کشور، در مورد تأمینهای اجتماعی، حق تادیهء مزد عادلانه، بیمه های اجتماعی، حقوق تقاعد، اشتغال، حق ایجاد اتحادیه های مسلکی و سایر موضوعهای اساسی مربوط به کار و تولید، کمپاین تبلیغاتی در سراسر کشور راه اندازی گردید. در جریان این کمپاین بیشتر از هفتاد هزار نظر و پیشنهاد کارگران و کارمندان جمع آوری و به کمیسیون مؤظف طرح قانون اساسی سپرده شد. سازماندهی و برپایی، راه پیماییها، میتنگها و مظاهره های خیابانی مسالمت آمیز و قانونی از سوی کارگران و کارمندان کامبینات تانکری وزارت تجارت، کامازها، تصدی نفت و گاز شبرغان، سپین زر کندز، نساجی پلخمری، فابریکهء کود و برق، اکادمی طبی و ده ها مؤسسهء تولیدی و غیرتولیدی دیگر کشور به خاطر اعتراض در برابر سیاستهای بیکارسازی دولت که عمدتاً ناشی از فروش و خصوصی سازی مؤسسه ها، معادن و تصدیهای تولیدی و خدماتی و هم چنین به خاطر حق کار و تعیین حقوق و امتیازهای تقاعد، معیشت و بی سرنوشتی شان طی سالهای گذشته است، میباشد.

قانون کار افغانستان، که یکی از دستاوردهای با اهمیت تاریخی دههء هشتاد سدهء بیست به شمار میرفت و در زمان امارات طالبان فصلهای اساسی و ارزشهای دموکراتیک مندرجهء آن لغو گردیده بود، به منظور تغییر آن، پیشنهاد تعدیل، تکمیل و آوردن اصلاحها در آن به دولت سپرده شد. در نتیجهء فشارهای نهادهای جهانی کارگری، از جمله سازمان بین المللی کار، دولت عضویت نمایندهء "امکا" را به حیث نمایندهء کارگران در کمیسیون تدوین قانون کار پذیرفت و بسیاری از پیشنهادهای "امکا" شامل طرح مذکور گردید. امکا، در مبارزات انتخاباتی شورای ملی (دور اول) سهم فعال گرفت و با کاندید نمودن ۱۰ تن از فعالان این سازمان برای ولسی جرگه نقش "امکا" را برجسته ساخت. امکا، عضویت دوبارهء فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری را حاصل نمود و در جلسه های سالانهء آن سازمان فعالانه در شهر ژنیو اشتراک نمود. روابط خود را با سازمانهای اتحادیه یی کشورهای آسیایی، اروپایی، امریکایی و تعدادی از کشورهای اسلامی برقرار نمود."

قسمت چهارم

سومین کنگرهء امکا گامیست به پیش

بر اساس فیصلهء ۱۲ حمل سال ۱۳۸۷ خورشیدی، شورای مرکزی اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان، سومین کنگرهء اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان، به تاریخ ۱۳ حوت سال ۱۳۸۷

خورشیدی مطابق ۳ مارچ ۲۰۰۹ میلادی در شهر کابل به اشتراک ۱۹۰ تن (۲۰۶ نماینده برای کنگره انتخاب گردیده بودند، که از جمله ۱۶ نماینده بنابر مشکلات امنیتی نتوانستند اشتراک نمایند)، نماینده های منتخب کنفرانسهای ولایتی و شهر کابل تحت نظارت تعدادی از کادرها و فعالان سندیکایی و نماینده های رسانه های جمعی و جامعه مدنی مطابق اساسنامه آن سازمان دایر گردید.

کنگره، پس از استماع گزارش شورای مرکزی "امکا"، پیشنهادهای، نظریه ها و طرحهایی را که در رابطه به خطوط اساسی، اهداف عمومی، استراتژی و چشم انداز آینده این سازمان و اصول تشکیلاتی آن به اجلاس کنگره ارایه شده بود، مورد بحث همه جانبه قرار داد و با در نظر داشت وضعیت سیاسی- اجتماعی جاری کشور، اهداف استراتژیک و اساسنامه اتحادیه های ملی کارکنان افغانستان را به تصویب رسانید.

هم چنین کنگره مطابق اصول تشکیلاتی سازمان، ۶۵ تن را به حیث اعضای شورای مرکزی و یک تن از کارگران سابقه دار سازمان (محمد ظاهر کارگر) را مطابق اساسنامه خویش برای مدت پنج سال به حیث رییس شورای مرکزی "امکا" برگزید.

از اسناد مصوب این کنگره استنباط میگردد، که به رغم تمام مشکلات و پرابلمهای ناشی از تسلط ایدئولوژی افراطی مذهبی بر وضعیت سیاسی کشور، جنگ، بد امنی، بیباوری به آینده، فقر، بیکاری و پیامدهای منفی اشغال، کنگره موفق گردیده، تا مجدداً این سازمان اتحادیه یی را پس از شکست عمیقی که بر نهضت اتحادیه یی کشور تحمیل گردید، در خط دفاع از منافع و حقوق کارگران و سایر کارکنان ادارات و مؤسسه های کشور و تحقق مطالبات صنفی، مسلکی و رشته یی آن ها قرار دهد.

{فشرده استراتژی و اصول تشکیلاتی مصوب کنگره سوم "امکا"، جهت معلومات بیشتر در زیر عنوان پینویسها تقدیم میگردد}.

سایر سازمانهای اجتماعی کشور:

مطابق ماده ۳۵ قانون اساسی افغانستان و بر اساس قانون سازمانهای اجتماعی که به تاریخ ۲۵-۶-۱۳۸۱ تصویب و نافذ گردید، تا کنون ۲۲۰۱ سازمان اجتماعی در وزارت عدلیه افغانستان ثبت و راجستر گردیده است.

اغلب این سازمانها به مقصد پیشبرد اهداف و معامله های شخصی، سیاسی و کسب منفعت اقتصادی و انجام معامله ها با انجوها ثبت گردیده اند.

تعدادی از سازمانهای ثبت شده بدون آن که به فعالیت آغاز نمایند، مهر اضمحلال به خود زدند و هم چنین تعداد قابل ملاحظه دیگر بنابر دلایل متعدد نتوانستند به فعالیت خویش ادامه بدهند و هم تعدادی بدون داشتن اعضا، تشکیلات و دفاتر رسمی از نام سازمان راجستر شده سود میبرند و در زیر پوشش آن مصروف انجام معامله ها اند. آنچه روشن است، این است، که اکثریت سازمانهای ثبت شده، سازمانهای دروغین و پوشالی اند.

در جمع سازمانهای اجتماعی ثبت شده در دفاتر دولتی تعداد محدود آن ها دارای ساختار تشکیلاتی، برنامه، اساسنامه و اهداف تدوین شده اند،

اما بنابر دلایل مختلف این سازمانها هم از مؤثریت لازم تاکنون برخوردار نمیباشند، بین آن ها روابط و هم سویی کاری وجود ندارد، اغلب فعالیتهای آنان مقطعی و فاقد دورنمای تاریخی میباشد.

با وجود تلاشهای متعددی که در مورد ایجاد یک سازمان سراسری بزرگ مستقل اجتماعی متعلق به کار و تولید از سوی فعالان سندیکایی و سایر نیروهای علاقه مند به این روند صورت گرفته است، ولی در عمل تا کنون چنین سازمان تأسیس نگردیده است.

یادآوری باید نمود، که نماینده سازمان بین المللی کار (آی. ال. او.)، در افغانستان، بر بنیاد اهداف مرامی و خطوط کاری خویش، اخیراً ورکشاپی را به منظور فراهم نمودن زمینه های لازم برای تأمین اتحاد و یا وحدت اتحادیه های کارگری مسلکی، رشته یی و سایر نهادهای هم سو در شهر کابل دایر نمود، تعدادی از سازمانهای فعال در این ورکشاپ اشتراک نمودند و آماده گی خویش را در مورد ایجاد یک تشکل واحد سراسری مستقل ابراز نمودند. ولی، بنابر عدم پیگیری و نبون اراده قاطع، این امر تحقق نیافت.

به عنوان اختتام این نوشتار،

اتحادیه های صنفی کارگران و کارکنان افغانستان طی قریب به چهل سال کار و فعالیت پُر خم و پیچ خویش، به رغم پیروزیها، دستاوردها، ضعفها، عقبنشینیها و اشتباههایی را که همراه داشته، هرگز طرف استبداد، استثمار، بیعدالتی، سرمایه سالاری و بربریت نبوده و در مبارزات و تلاشهای خود علیه آن ها نقش بیطرفانه یی را اتخاذ نکرده است. این سازمان در جریان مبارزات خویش همیشه در کنار کارگران، زحمتکشان و اقشار تهیدست برای دستیابی به حقوق ابتدایی و آزادی آن ها از بند ستم و استثمار قرار داشته است.

این نهاد در کنار نیروهایی بوده، که برای صلح، ترقی، پیشرفت و کاهش استثمار فرد از فرد رزمیده است.

فعالان سندیکایی و پیشکسوتان جنبش اتحادیه یی کشور، این مسأله را مورد بررسی و مطالعه قرار میدهند، که کارگران، کارکنان و سایر مزدگیران و روشنفکران کشور به چی نوع اتحادیه یا سندیکا، انجمن و نهادی احتیاج دارند؟ چی چیزهایی را باید کنار گذاشت و از چه چیزهایی باید پشتیبانی کرد و چی تفاوتهایی در تیوریهای اقتصادی کنونی جهانی با تیوریهای اقتصادی-سیاسی در دوران تأسیس و آغازین فعالیت اتحادیه های صنفی وجود دارد.

ده سال اخیر به وضاحت نشان داد، که گرایش و میلان طبیعی، منطقی و سرشتی گروههای حاکم و حامیان جهانی آن ها این است، که حاکمیت شان را به هر قیمت ممکن تداوم بخشند و این حاکمیت را مشروع و قانونی جلوه دهند. تداوم حاکمیتهای استبدادی و پوشالی زمانی به آرامش صورت خواهد پذیرفت که توده های ملیونی زحمتکشان و گروههای محکوم و تهیدست به هر وسیله ممکن از عرصه اعمال قدرت و نهادهای ممثل قدرت دور نگهداشته شوند. دور نگهداشتن زحمتکشان و نهادهای مدافع منافع آن ها جزی از وظایف ایدیالوژی حاکم است. به همین لحاظ حاکمان کشور به هم دستی امپریالیزم اطلاعاتی تلاش نموده اند، که با استفاده از هر وسیله ممکن به بهانه های مختلف زحمتکشان و تهیدستان را از شرکت در سازمانهای اجتماعی و شرکت در پراتیک سیاسی بازدارند.

تجربه، کار و فعالیت اتحادیه های کارگری کشورهایی که مردمان فقیر و تهیدست آن ها به احصار ستم و استبداد یورش بردند، نشان میدهد، که فقط شرایط مادی-اقتصادی و عینی زنده گی کارگران، کارکنان، و تهیدستان است، که تعیین میکند که آن ها میتوانند در یک سازمان سراسری متحد گردند و از طریق این سازمان به مبارزه برای بهشد شرایط کار و زنده گی و آزادی از فقر و بیچاره گی روی بیاورند.

در وضعیت کنونی، که کارگران، کارکنان و مزدگیران کشور، دچار پراگنده گی هستند و با پایه طبقاتی خود پیوند ارگانیک و محسوسی ندارند، مسأله وحدت و تشکل اتحادیه های صنفی، مسلکی و رشته یی و دیگر نهادهای اجتماعی مزدگیران در یک نهاد سراسری با اعتبار از یک سو و اتحاد و هم سویی در قالب یک پلاتفورم سیاسی با احزاب و نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه که ادعای دفاع از حقوق و منافع کارگران و سایر زحمتکشان را دارند، از سوی دیگر از جمله وظایف مبرمیست، که باید در فهرست اولویتهای مبارزاتی سازمانهای صنفی، اتحادیه یی، روشنفکری و نهادهای اجتماعی زنان و جوانان کشورمان قرار گیرد.

امروز، پیوسته پرسش به عمل می آید، که دامنه خواستههای یک سازمان اتحادیه یی (سندیکایی) و یا یک نهاد اجتماعی متعلق به کارگران و سایر مزدگیران تا کجاست؟

آیا دایرهٔ فعالیت اتحادیه های مزدگیران صرفاً به حقوق و بهشد شرایط کار، امنیت کار، ازدیاد مزد و معاش، کاهش ساعتهای کار، امنیت شغلی و تأمین و بیمه های اجتماعی و حقوق تقاعد محدود میگردد و یا میتوان از آن فراتر رفت؟

نخست، باید گفت، کارگران، کارکنان و سایر مزدگیران، تافته های جدا بافته یی از کل جامعه نیستند، مزدگیران جامعهء افغانی از روابط و مناسبات حاکم بر جامعه متأثر اند، خواستههایی که تغییر جامعه و روابط حاکم بر آن مربوط میگردد با کلیه مزدگیران کشور و نهادهای مربوط به آن ها روابط منطقی، عقلانی و عینی دارد، که نمیشود این روابط با هم تنیده را نادیده گرفت. به همین لحاظ خواسته های اتحادیه های صنفی کارگران و کارکنان کشور صرفاً در دایرهٔ حقوق و بهشد شرایط کار، ازدیاد دستمزد، کاهش ساعتهای کار، امنیت شغلی و . . . سایر مسایل اختصاصی مربوط به کار و تولید محدود نمیشود، بل از آن فراتر رفته به خواستههای اقتصادی- اجتماعی کل مزدگیران و سایر متحدان اصلی آن ها ارتقا مینماید.

باورمندم، که اتحادیه های صنفی به اثر مبارزات پیگیر، قانونی، رسمی و مسالمت آمیز خویش بدون کاربرد خشونت، نی تنها قادر به دفاع و حمایت از حقوق مزدگیران، افزایش دستمزدها، تعمیم سیستمهای عادلانهٔ مترقی مزد و معاش، به دست آوردن مزدهای متناسب با تورم، تأمین حق مساوی کار، بهشد شرایط کار، کاهش فقر و بیکاری و در نهایت بهشد و ارتقای سطح زنده گی اجتماعی- اقتصادی کارگران و مزدگیران میگردد، بل که میتوانند نقش با اهمیت و اساسی را در تحولات و تغییرهای سیاسی- اقتصادی کشور و متحول گردانیدن نظام سیاسی حاکم به سود زحمتکشان و آزادی و رهایی ایفا نمایند.

نباید سازمانهای اجتماعی متعلق به کار و زحمت را به فراموشخانهٔ تاریخ سپرد؛ در آن ها نیروی بالقوهٔ زحمتکشان تبلور یافته است، دور نیست که از بطن جامعهٔ در فقر نشستهٔ مان سر برآورند و جایگاه شایستهٔ خود را در روند تغییر و تکامل اجتماعی- اقتصادی کشور احراز بدارند.

منابع:

کتاب "افغانستان در مسیر تاریخ"، اثر میر غلام محمد غبار، کتاب " اتحادیه ملی کارکنان افغانستان از ایجاد تا امروز" - اداره نشرات و مطبوعات امکا- حمل ۱۳۹۰ خورشیدی،

"قانون کار جمهوری افغانستان" جریده رسمی شماره ۶۴۵ - ۱۳۶۶،
"مقررہ تنظیم وظایف و فعالیتهای شورای همآهنکی حفاظت کار و بهداشت شرایط کار" - مصوب شورای وزیران - شماره ۳۲۴ سال ۱۳۶۶،

کتاب " یادداشتهای سیاسی و رویداد های تاریخی " نویسنده سلطان علی کشتمند،
ظهور و زوال حزب دموکراتیک خلق افغانستان " نویسنده: دستگیر پنجشیری،
مصاحبه های ویژه با برخی از پیشکسوتان جنبش سندیکایی کشور،
انتشارات " روز نامه پیام " ثور ۱۳۶۸، در رابطه به این موضوع،
نشریه آینده ،
یادداشتهای شخصی نویسنده،

پینویسها:

اول-جدول اسمای اعضای هیئت رهبری و مسوولین شعبات مرکزی.ا.ص.ا. در سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۹ خورشیدی

**الف- رئیس و اعضای دارالانشای شورایمرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان، قبل از دومین
کنگره آن سازمان (۱۳۶۹ خورشیدی):**

۱- عبدالستار پردلی - رئیس شورای مرکزی

۲- احمدالله پویا - معاون رئیس شورای مرکزی

۳- احمدضیا صدیقی..-منشی دارالانشای شورایمرکزی

۴- نفیسه پیکارگر-منشی دارالانشای شورای مرکزی

۵- طلاباز حبیبزی.منشی دارالانشای شورای مرکزی.

نوت: قبل از دومین کنگره محترم سید ولی در پست معاونیت شورای مرکزی، محترم
سید مجتبی، محترم دلدارنریوال، محترم نوراله، محترم هاشم زحمت ، محترم محمد
کبیرکارگر و محترم عبدالواسع کارگر در پست منشی های دارالانشا شورایمرکزی
اتحادیه های صنفی افغانستان در زمان های مختلف هم مدتی توظیف گر دیده بودند
(.

ب- رؤسای شعبات دستگاه ای شورایمرکزی:

شعبه تشکیلات مرکزی: - سپاهی، عزیز ساغری، نجیب آریا، محمدیاسین و محمد
حکیم.

شعبه روابط بین المللی عبید الله بهیل عابدی،

شعبه اقتصاد و تولید: اسلام الدین اندیش، خواجه محمد علم، محمد امین و محمد نسیم
شعبه حفاظت کار: عبدالصیر یوسفی، محمد امین و عبدالحمید وهاب،
شعبه تبلیغ و ترویج: عبدالبشیر سنگر، محمد آصف عسکر یار،
شعبه مالی: محمد اسماعیل اکبری،
شعبه اداری: محمد الله کشتمان، نجیب الله، اسد نورزاد،
شعبه تفتیش مرکزی: غلام علی رهیش، عبدالقیوم،
شعبه اسناد و ارتباط محمد احسان سعید، شمس الدین.
شعبه ورزش: محمد آصف عسکر یار، محمد ظاهر کارگر،
شعبه دفاع خودی: عبدالجبار مجر - تیموری، غلام جیلانی فورمولی
مسوول کمیسیون زنان کارگر،....

ج- مسوولین واحدهای دومی شورای مرکزی:

مسوول خانه های فرهنگی: محمد عمر ننگیار، محمد حنیف،
مدیر مسوول جریده کار: همایون مجید، محمد عزیز، عبدالرشید آشتی،
مسوول مرکز تربیه یی سندیکایی: ...
مسول لابراتوار تحقیقاتی نورمهای حفاظت کار:.
مسوول مدیریت مهمان خانه آمو: عبدالجبار مجر،
مسوول ترانسپورت ببری امکا: سید بسم الله مرتضوی،
مسوول دستگاه البسه دوزی امکا: عین الدین عینی
مسوول شرکت تجارتي قافله: عبدالطیف صدري،
مسوول شرکت ساختمانی خورشید: اسلام الدین اندیش.

د- رؤسای شوراهاى ولايتی، ولايات بزرگ:

عبدالواسع کارگر، محمد شریف رزمان، محمود کارگر و انجنیر محمد امین (شورای شهر کابل)،
عبدالجبار مجر تیموری ... (شورای ولايتی پروان).
محمد صدیق کارگر، ... (شورای ولايتی بغلان).
عبدالجبار، محمد امین و محمد یاسین، (شورای ولايتی کندز).

محمد حفیظ (شورای ولایتی تخار).
محمد حکیم قربانی، سلیم کارگر، محمد کبیر کارگر، محمد یونس سعادات، (شورای ولایتی بلخ).
..... (شورای ولایتی جوزجان).
صدرالدین کارگر.....(شورای ولایتی هرات).
محترم ناله (شورای ولایتی فراه).
شرف الدین (شورای ولایتی قندهار)
فاروق دهقانزاده، قریب الدین کارگر، (شورای ولایتی ننگرهار).

دوم- شهرت رئیس و سکرتر جنرالهای شورای مرکزی امکا، که در دومین کنگره مورخ ۱۳۶۹ "امکا" بر گزیده شدند و تا (۱۹۹۱ میلادی مطابق ۱۳۷۱ خورشیدی رهبری شورای مرکزی امکا را بدوش داشتند:

کاندید اکادمیسین پوهاند فقیر محمد زمری – رئیس شورای مرکزی "امکا"، (قبل از محترم فقیر محمد زمری، محترم عبدالستار پردلی رئیس شورای مرکزی "امکا" بود).

احمد الله پویا معاون رییس شورای مرکزی امکا،

۱- احمد ضیا صدیقی سکرتر جنرال شورای مرکزی اتحادیه های مسلکی کارکنان تجارت و ترانسپورت افغانستان،

۲- طلا باز حبیب زی سکرتر جنرال شورای مرکزی اتحادیه های مسلکی کارکنان علوم و فرهنگ افغانستان،

۳- انجنیرامین الله سکرتر جنرال شورای مرکزی اتحادیه های مسلکی کارکنان امور ساختمانی افغانستان،

۴- عبدالجبار مجر تیموری سکرتر جنرال شورای مرکزی اتحادیه های مسلکی کارکنان خدمات عامه افغانستان،

۵- عبدالواسع کارگر سکرتر جنرال اتحادیه های مسلکی کارکنان بافنده گی و دوزنده گی افغانستان،

۶- محمد امین سکرتر جنرال اتحادیه های مسلکی کارکنان معادن و صنایع افغانستان،

۷- دوکتور عبدالواحد ممتاز سکرتر جنرال اتحادیه های مسلکی کارکنان امور صحتی افغانستان.
(پوهاند داکتر خوشدل رییس افتخاری)

سوم-اعضای هیئت رئیسه شورای مرکزی "امکا" که در کنگره سوم (حوت ۱۳۸۷) برگزیده شده اند

- ۱- محترم محمد ظاهر رئیس شورایمرکزی امکا،
- ۲- انجنیر احمد خان رهین، معاون شورای مرکزی امکا،
- ۳- انجنیر عبدالشکور، منشی دارالانشای شورایمرکزی امکا،
- ۴- محمد آصف عسکریار، منشی دارالانشای شورایمرکزی امکا،
- ۵- محمد اشرف صمدی، منشی دارالانشای شورایمرکزی امکا،
- ۶- عبدالستار پردلی، مشاور ارشد شورایمرکزی امکا،
- ۷- محمود پوپل، رئیس شعبه تشکیلات مرکزی امکا،
- ۸- محمد داوود شبرنگ، رئیس شعبه حقوق و اقتصاد شورایمرکزی امکا،
- ۹- محترمه نجیبه، کارمند وزارت ترانسپورت،
- ۱۰- عظیم الدین محب، رئیس شورای شهر کابل امکا،
- ۱۱- عبدالرزاق حکیمی امر بخش عواید امکا،
- ۱۲- محترم صوفی ظاهر یکی از پیشکسوتان جنبش کارگری،
- ۱۳- خلیل الله پوپل، کارمند وزارت معادن و صنایع ،
- ۱۴- جانگل کارگر، سابق عضو پارلمان افغانستان،
- ۱۵- غوث بشری، معین وزارت کار،
- ۱۶- عبدالکریم شفق، رئیس شورای ولایتی فراه امکا،
- ۱۷- شهباز یادگاری، رئیس شورای ولایتی تخار امکا،
- ۱۹- محمد عثمان، رئیس شورای ولایتی سمنکان امکا،
- ۲۰- غلام صدیق کارگر، رئیس شورای ولایتی بغلان امکا،
- ۲۱- بدل بای، کارگر سابقه دار ولایت جوزجان،
- ۲۲- غلام علی بریال، رئیس شورای ولایتی هلمند امکا،
- ۲۳- سردار محمد، رئیس شورای ولایتی ننگرهار امکا،
- ۲۴- محمد حسن، رئیس اتحادیه کارکنان کود و برق مزار شریف،
- ۲۵- محترمه گلالی کارمند شرکت تولید ادویه هوخست.

چهارم- جدول شهرت برخی از فعالین سندیکایی، که در پیشبرد فعالیتهای اتحادیه یی و نهضت جوان کارگری کشور سهم شایسته ای طی سه دههٔ اخیر داشته:
(در بخش اسناد منضمه این نوشتار محفوظ است).